

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بَاعَا سُوْرَا سِیِّمَانِ

حضرت آئینہ اللہ اعطی صافی کلیا یکانی علیہ السلام

سرشناسه	: صافی گلپایگانی، لطف‌الله.
عنوان و نام پدیدآور	: با عاشورا بیان / لطف‌الله صافی گلپایگانی.
مشخصات نشر	: قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله‌العالی، ۱۳۹۵.
وضعیت ویراست	: [ویراست ۳].
مشخصات ظاهری	: ۱۲۰ ص.
شابک	: ۸-۲۲-۷۸۵۴-۶۰۰-۹۷۸: ۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا.
یادداشت	: کتاب‌نامه.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: حسین بن علی <small>علیه السلام</small> ، امام سوم، ۲-۶۱ ق -- سوگواری‌ها.
موضوع	: واقعه کربلا، ۶۱ ق.
موضوع	: عاشورا.
شناسه افزوده	: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله‌العالی.
رده‌بندی کنگره	: الف ۱۳۹۵ ب۲ ص/۵/۱۵ BP
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۹۵۳۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۲۸۲۸۲۳

## دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی علیه السلام

- نام کتاب: با عاشورا بیان
- مؤلف: حضرت آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی مدظله الوارف
- چاپ اول (ویراست سوم، چهارم کتاب): ذی‌القعدة ۱۴۳۷ / تابستان ۱۳۹۵
- شمارگان: ۳۰۰۰
- بها: ۵۰۰۰ تومان
- شابک: ۸-۲۲-۷۸۵۴-۶۰۰-۹۷۸
- سایت الکترونیک: [www.saafi.net](http://www.saafi.net)
- پست الکترونیک: [saafi@saafi.net](mailto:saafi@saafi.net)
- آدرس پستی: قم / انقلاب ۶ / پلاک ۱۸۱
- تلفن: ۳۷۷۵۵۵۴۳ (۰۲۵)

## فهرست مطالب

۹	.....همای سعادت
۱۱	.....سخن ناشر
۱۵	.....فصل اول: دل نوشته‌های عاشورایی
۱۷	.....شب عاشورا
۱۷	.....ای کاش فردا نمی‌شد
۱۹	.....رزم آورد حق و باطل
۲۰	.....سپاه سعادت و لشکر شقاوت
۲۱	.....سپاه باطل و عدم بصیرت
۲۲	.....سپاه حق، سپاه بصیرت
۲۳	.....شب عاشقان بی‌دل
۲۴	.....شب اتمام حجّت‌ها
۲۴	.....ستارگان سپاه سیدالشهدا
۲۵	.....آفتاب کربلا
۲۶	.....خدا دوستانش را می‌شناسد

- ۲۶ ..... فرصتی برای انس بیشتر .....
- ۲۷ ..... فرصت تفکر .....
- ۲۸ ..... شوق دیدار .....
- ۲۹ ..... قلب‌های تاریک .....
- ۳۰ ..... یاوران حقیقی .....
- ۳۲ ..... دژهای محکم ایمان .....
- ۳۳ ..... در آرزوی شهادت .....
- ۳۴ ..... بزرگ‌ترین معامله تاریخ .....
- ۳۴ ..... نامی به بلندای تاریخ .....
- ۳۵ ..... در سودای محبت دوست .....
- ۳۷ ..... برگزیدگان مکتب ایمان .....
- ۴۰ ..... صبح عاشورا .....
- ۴۰ ..... صبحی سهمگین .....
- ۴۰ ..... جلوه‌گاه ایستادگی .....
- ۴۲ ..... صبح مصیبت‌ها .....
- ۴۲ ..... عاشورا جلوه‌گاه توکل .....
- ۴۳ ..... دعای حسین علیه السلام چه بود؟ .....
- ۴۴ ..... در اندیشه شهادت .....
- ۴۴ ..... پرواز روح .....
- ۴۵ ..... چند نکته از یک دعا .....

۴۶	و دعای حسین <small>علیه السلام</small> مستجاب شد
۴۹	فصل دوم: پیام‌های عاشورایی
۵۱	صراط مستقیم حسین <small>علیه السلام</small>
۵۱	شکست‌ناپذیران عرصه کربلا
۵۳	مقصد تربیتی انبیا
۵۳	پیروزمندان عرصه بندگی
۵۴	راه حسین <small>علیه السلام</small> صراط مستقیم
۵۶	جایگاه عزاداری سیدالشهدا <small>علیه السلام</small>
۵۶	عاشورا و مسئولیت‌ها
۵۷	پیام سیدالشهدا <small>علیه السلام</small> به جوامع انسانی
۵۸	حیات دین، مرهون شهادت حسین <small>علیه السلام</small>
۵۹	هشدار حسین <small>علیه السلام</small>
۶۰	شعار حسین <small>علیه السلام</small>
۶۲	فرصت تبلیغ و وظیفه روحانیت
۶۳	ارزش‌های حسینی و وظیفه ما
۶۵	عبرت‌های عاشورا
۶۵	جامعه و عاشورا
۶۶	درس‌های عاشورا
۶۷	باوفاترین اصحاب

- ۶۸ ..... عبرت از سپاه سیاه
- ۶۹ ..... آفتاب نینوا
- ۷۰ ..... امام علیه السلام و بیداری انسان
- ۷۱ ..... قهرمانان عرصه بلا
- ۷۲ ..... پیام آوران عاشورا
- ۷۴ ..... از عاشورا تا ظهور
- ۷۴ ..... ابعاد یک حادثه عظیم
- ۷۵ ..... جلوه‌های عاشورایی
- ۷۵ ..... تأثیر عاشورا بر مواضع ائمه علیهم السلام
- ۷۶ ..... رابطه عاشورا با حکومت مهدوی
- ۷۸ ..... از عاشورا تا رجعت
- ۸۰ ..... ظهور، استمرار عاشورا
- ۸۳ ..... فصل سوم: رسالت عاشورایی ما
- ۸۵ ..... پاسداری از شعائر حسینی
- ۸۵ ..... ارزش حفظ شعائر
- ۸۶ ..... درس عزت
- ۸۷ ..... بایدهای مراسم حسینی
- ۸۸ ..... مسئولیت‌های عاشورایی
- ۸۹ ..... پیام مکتب حسین علیه السلام

- ۹۰..... حوزه علمیه در خدمت مکتب عاشورا
- ۹۱..... نکاتی در باب تبلیغ عاشورا
- ۹۱..... حفظ هویت اسلامی
- ۹۳..... شناخت اقلیم‌های تبلیغی
- ۹۴..... ارتباط با جوانان
- ۹۴..... تقارن عاشورا و نوروز
- ۹۶..... رسالت ذاکران اهل بیت علیهم‌السلام
- ۹۶..... دانشگاه عاشورا
- ۹۸..... جایگاه ذاکر اهل بیت علیهم‌السلام
- ۹۹..... وظایف مدآحان اهل بیت علیهم‌السلام
- ۱۰۱..... مجلس عزای اهل بیت علیهم‌السلام، دارالرحمه
- ۱۰۳..... فصل چهارم: عاشورا در عاشورا
- ۱۰۵..... عاشورای مشهدالرضا
- ۱۰۸..... عاشورای خونین ۱۴۲۵
- ۱۰۸..... یزیدیان زمان
- ۱۱۱..... کتاب‌نامه
- ۱۱۵..... آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله‌الوارف در یک نگاه





## همای سعادت

حسین! ای همایون همای سعادت  
حسین! ای شه مُلک صبر و شهامت  
فروغی ز نور تو خورشید رخشان  
ز دریای جود تو کوثر، حکایت  
تویی نور چشمان زهرا و حیدر  
گل احمر بوستان رسالت  
به پا از قیام تو شد پرچم دین  
نگون گشت اعلام کفر و ضلالت  
رهاندی تو اسلام از چنگ اعدا  
فزودیش بر عزت و بر کرامت  
جوانمردی و غیرت و همّت تو  
ز ناموس دین کرد الحق حمایت  
الا ای ولیّ خدای یگانه  
خداوند اقلیم مجید و جلالیت  
فدا کردی اندر ره دین و قرآن  
چوانان و یاران به کوی شهادت  
گذشتی هم از اکبر و هم ز اصغر  
ز عباس، آن درّ بحر شجاعت  
ز یاران نامی و صحب گرامی  
شهیدان شمشیر اهل شقاوت  
همه عاشقان وفا و حقیقت  
همه رهروان طریق ولایت  
همه دشمن ظلم و طغیان و عدوان  
همه پیش‌تازان راه دیانت  
شعار همه بود الله اکبر  
مرام همه قطع نخل غوایت

بنامم به آن همّت عالی تو  
 به آن صبر و ایمان و آن استقامت  
 تو اعلام کردی به آزادمردان  
 که مرگ است با سربلندی سعادت  
 به لطف تو دارند چشم شفاعت  
 عَصَاةَ مَجْبَانَ به روز قیامت  
 فدای سر انور بی تن تو  
 که بر نیزه می کرد قرآن تلاوت  
 به قربان آن کودک شیرخوارت  
 که تیر ستم کرد او را سقایت  
 ایَا مَالِکَ مُلْکِ حُسْنِ وِ مَعَالِی  
 ایَا مَعْدِنِ جُودِ وِ فِیضِ وِ سَخَاوَتِ  
 از این وضع دوران و از شدت دهر  
 مرا هست بر درگهت بس شکایت  
 سخن در جناب تو سر بسته گویم  
 که ابلغ بود از صراحت کنایت  
 به «لطفی» ببخشی اگر هر دو عالم  
 نباشد شگفت ای محیط کرامت  
 نباشد مرا بیم از نار دوزخ  
 بینی به من گر به چشم عنایت

لطف الله صافی

## سخن ناشر

بسم الله الرحمن الرحيم

واقعه جانسوز کربلا، نقطه عطفی در تاریخ بشریت و مدار تأثیرگذاری و الهامبخشی به همه انسان‌های آزاده و بیدار جهان شد. آنان که سر مطهر عزیز خدا و پاره تن رسول را به شادباش زشت‌کردارترین اهل زمین بردند؛ آرزوی خاموشی نوری را در دل می‌پروراندند که خداوند قادر متعال، اراده درخشش جاودان او را نموده بود. اکنون قریب به یک‌هزار و چهار صد سال از آن فاجعه بزرگ که نمود روشنی از ستیز همیشگی حق و باطل است می‌گذرد اما خورشید عالم‌تاب حسین علیه السلام هر روز در افقی وسیع‌تر و متعالی‌تر در حال تجلی است.

از عاشورای سال ۶۱ هجری که ندای استغاثه نور چشمان رسول و ریحانه بتول در میان بغض و عداوت و دنیاپرستی فرزندزادگان ضلالت، پاسخی شایسته نیافت قرن‌ها گذشته است اما بدون شک حسین بن علی علیه السلام از آن زمان تاکنون، لایزال بر انبوه بی‌شمار جان‌های شیفته و دل‌های بی‌قراری حکومت کرده است که داغ سرخ کربلا را از گلوی تاریخ، نسل به نسل تا پهنه قیامت، فریاد می‌کنند.

در حماسه بزرگ عاشورا رازی عظیم و مقدس نهفته است که مرور زمان و تکرار بی نهایت آن غم جاودان، نه تنها از عمق عظمت آن نکاسته بلکه هر روز، افق‌های روشن تری را در جلو چشمان حق طلبان عالم، گشوده است و به راستی این چه سر عظیمی است که یادها به فراموشی می‌روند اما یاد حسین علیه السلام هر روز تازه‌تر از گذشته در جان‌ها زنده می‌شود و چشمه حیاتی می‌گردد که جان‌های شیفتگان را به حقیقت حیات طیبه، آشنا می‌سازد و تأمل در ابعاد آن حماسه، بر بصیرت و بینش و معرفت آدمی می‌افزاید.

وسعت تأثیرگذاری و عمق نفوذ حماسه بزرگ عاشورا، که خود از معجزات آن محسوب می‌شود، به بیان ارزشمند مرجع عالی قدر شیعه حضرت آیت‌الله العظمی صافی مدظله‌العالی، آن را تبدیل به یک «دانشگاه حسینی» نموده است: «به راستی چه دانشگاهی مانند این دانشگاه، به این وسعت در طول قرون و مرور اعصار، دانشجو داشته است؟ دانشجویانی مانند شیخ مفیدها و شیخ طوسی‌ها و ده‌ها هزار نخبه برجسته و ممتاز و هزاران شهید که به حضور خود در این مکتب، افتخار می‌نمایند و همه از برکات این دانشگاه بهره‌مند و از خوان نعمت گسترده امام حسین علیه السلام برخوردارند؟».

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله‌العالی خود نیز به حضور بر همین خوان عظیم کرامت و ولایت مولایش حضرت اباعبدالله و شرکت در دانشگاه امام حسین علیه السلام افتخار می‌کند. او که خود از قبیله عاشوراییان و

از تبار کربلاییان زمان است مرجعی بیدار و فقیهی جهادگر است که قریب به یک قرن، در احیای تفکر و بینش عاشورا و مبارزه با اهل بدع و ضلال، از پای ننشسته و در تبلیغ پیام بلند سید و سالار آزادگان جهان، با عمل و قلم و زبان خویش مجاهدت نموده است.

**با عاشوراییان**، از عاشورا و پیام آن و رسالت‌های عاشورایی امروز ما، سخن می‌گوید. این کتاب، مجموعه نوشته‌های عاشورایی حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله‌العالی است که در چهار فصل، تنظیم گردیده است: دل‌نوشته‌های عاشورایی، پیام‌های عاشورایی، رسالت عاشورایی ما و عاشورا در عاشورا.

خواندن این کتاب که با نثری شیوا و روان نگاشته شده فرصتی مناسب برای همه شیفتگان مولایمان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است تا جلوه‌هایی جذاب و ماندگار از شخصیت آسمانی امام شهیدان و قیام حضرتش را با نگاهی عالمانه مرور نمایند و بر معرفت و بینش عاشورایی خویش بیافزایند.

مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله‌العالی



فصل اول:

دل نوشته های عاشورایی







## شب عاشورا

سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ جَمِيعِ أَنْبِيَائِهِ وَمَلَائِكَتِهِ عَلَي مَوْلَانَا  
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ  
وَأَصْحَابِهِ وَأَنْصَارِهِ وَعَلَى زُورِهِ وَشِيعَتِهِ. حَشَرْنَا اللَّهُ  
فِي زُمْرَتِهِمْ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ  
عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

### ای کاش فردا نمی شد

خدایا چه می شد اگر امشب را آن فردا نبود و تا صبح روز  
قیامت، بامدادش نبود و در فردایش آن جنایات هولناکی که تا آن  
تاریخ سابقه نداشت و بعد از آن همانند و نظیرش اتفاق نخواهد  
افتاد، رخ نمی داد و تاریخ بشریت، سیاه و آن چنان پراز ننگ و عار  
نمی گردید و اوج بی رحمی، بی وجدانی و درنده خویی این بشر،  
که از هیچ مخلوق دیگری ظهور نمی کند نشان داده نمی شد، و آن

ددمنشانی که در صحرای کربلا برای ارتکاب بزرگ‌ترین جرایم تاریخ گرد آمده بودند فرصت این همه گستاخی و اظهار خباثت نفس را نمی‌یافتند.

آنان بدترین جنایت‌کارانی بودند که خود را به جیفهٔ دنیا و به یزید و ابن‌زیاد - آن جرثومه‌ها و تجسم ستمکاری، بی‌شرافتی، پستی، پلیدی و همهٔ رذایل اخلاقی و آن دشمنان مردمان مستضعف - فروخته بودند.

خدایا! اگر امشب به پایان نمی‌رسید، شمر و سنان و ابن‌سعد و حرمله و دیگر شقاوت‌پیشگانی که اولیای تو را محاصره کرده بودند نمی‌توانستند آن‌همه شقاوتی را که از خود نشان دادند در دفتر سیاه بنی‌نوع انسان، ثبت نمایند و میلیاردها بشری را که در طول تاریخ آمده و می‌آیند سرافکنده و شرمنده سازند.

خدایا! چه می‌شد اگر خورشید و ماهت از حرکت باز می‌ایستادند و زمین از گردش باز مانده بود تا در فردای امشب، عزیزترین و بهترین بندگان تو، حسین عَلَيْهِ السَّلَام و یارانش به دست دشمنان تو به شهادت نمی‌رسیدند و آن‌همه مصائب جانکاه بر اهل‌بیت پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تو وارد نمی‌شد؟

اما خدایا! تو خود صاحب این جهانی و دنیا را دار امتحان و آزمایش، قرار دادی و فرمودی:

﴿لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾؛<sup>۱</sup>

به قضا و قدر تو ارزش انسان‌ها ظاهر می‌شود. تا آنها که بالاترین مراتب کمال انسانیت را دارند در اعلام:

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ  
لَهُمُ الْجَنَّةَ﴾؛<sup>۲</sup>

و تو را بهترین مشتری شناخته و خود را به تو فروخته شناخته شوند. و هم آنهایی که در اسفل السافلین مکان می‌گیرند و

﴿أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلَّهْمُ أَضَلُّ﴾؛<sup>۳</sup>

توصیفی از خباثتشان است، خود را معرفی کرده و بشناسانند.

﴿لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْئَلُونَ﴾<sup>۴</sup>

﴿أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾<sup>۵</sup>

## رزم آورد حق و باطل

امشب سران دو گروه، که همواره در تاریخ، مواجهه و صف‌آرایی آنها در برابر یکدیگر را خواننده و می‌خوانیم، در کربلا به صحنه

- 
۱. هود، ۷. «تا شما را بیازماید که عمل کدام‌یک از شما نیکوتر است».
  ۲. توبه، ۱۱۱. «خداوند جان‌ها و اموال مؤمنین را به قیمت بهشت از آنان خریداری کرده است».
  ۳. اعراف، ۱۷۹. «آنان مانند چهارپایان، بلکه بسی گمراه‌تر هستند».
  ۴. انبیاء، ۲۳. «(خداوند) از هر آنچه می‌کند بازخواست نشود و خلق از کردارشان بازخواست می‌شوند».
  ۵. بقره، ۳۲. «و تو دانایی و کارهایت حکیمانه است».

می آیند و تمام این عالم را تا پایان این جهان به تماشای مقابله و نبرد دو جبهه حق و باطل و موقف آنها مشغول می سازند.

موقف الهی و رحمانی حسین علیه السلام اهل بیت و اصحابش که با آن عده به ظاهر اندک و معدود و به باطن امت ها و جهان هایی از شخصیت های بی نظیر و بی بدیل، برای بذل جان در راه خدا، عزت، کرامت، شرف انسانیت، اعلاى کلمه الله و احیای معالم دین تصمیم می گیرند و هیچ گونه فشار، تهدید و اوضاع ناگوار - از شهادت جوانان، تشنگی کودکان و اسارت فاضل ترین و باشخصیت ترین بانوان - به قدر ذره ای در تصمیم آنها اثر نمی گذارد.

و موضع نحس، ناپاک، پلید، ضد انسانی و بی شرمانه سپاه کوفه که با خدا اعلان جنگ داده اند، می خواهند با فرزند رسول خدا بجنگند و او و تمام یارانش را تشنه لب از دم شمشیر بگذرانند و محترم ترین و معتبر ترین بانوان درگاه خدا را اسیر سازند.

گروه ابن سعد و شمر و سنان و خولی و یزید و ابن زیاد را طمع به جوایز و پست و مقام و یا بیم از یزید و ابن زیاد به کربلا کشانیده بود و گروه حسین علیه السلام و حزب خدا به شوق درک درجات عالیه، دفاع از نوامیس دین و حرم نبوت و ولایت در آن میدان آزمایش، حاضر شده بودند.

### سپاه سعادت و لشکر شقاوت

منظره شب عاشورای کربلای سال ۶۱ هجری قمری منظره ای

عبرت‌انگیز و آموزنده بود؛ سعادت، مناعت و بلندی همّت از سیمای یاران امام حسین علیه السلام، و شقاوت، دنائت و پستی از چهره پلید پیروان بنی‌امیه هویدا بود.

سپاه حسین علیه السلام که خود را چون رهبرشان، سعید می‌دانستند و به موقفی که داشتند افتخار می‌کردند و در حُسن عاقبت خود هیچ شبهه و شکی به دل راه نمی‌دادند و فاصله‌ای بین خود و رستگاری و رسیدن به لقاءالله، جز شهادت در رکاب آقا و مولایشان نمی‌دیدند، آرام و مطمئن شب را به عبادت، به صبح رساندند.

و سپاه یزید، ابن‌زیاد و عمر سعد گرچه خود را به ظاهر پیروز می‌دیدند، اما هیچ‌یک خود را با موضعی که داشتند سعادت‌مند نمی‌دانستند و جز شمر و تنی چند از هم‌قماشانش، که شاید از کشتن اولیاءالله و فرزندان پیغمبر و آن مظاهر ایمان، توحید و کمال انسانیت لذّت می‌بردند و احساس شرم نمی‌کردند، دیگران همه با وجدان خویش در جنگ و جدال بودند.

### سپاه باطل و عدم بصیرت

به‌هرحال، اگرچه ما نمی‌توانیم هویت حق‌ستیزی فوق‌العاده و دشمنی بی‌اندازه بنی‌امیه با خاندان رسالت و میزان عداوتشان با دین را ارزیابی کنیم، اما می‌دانیم که باین‌وجود در میان همین اشقیای کسی نبود که برای کشته‌شدن و بذل جان آمده باشد؛ همه آمده

بودند تا بازگردند و جایزه بگیرند یا اینکه مورد خشم ابن‌زیاد قرار نگیرند. و در میان آنها بسا کسانی بودند که مانند حرّ متّهی شدن این جریان به شهادت امام علیه السلام را پیش‌بینی نمی‌کردند و کسانی دیگر هم شاید استقامت و ایستادگی امام علیه السلام و یارانش را در موقعی که داشتند باور ننموده و گمان می‌کردند پیشنهاد تسلیم یا جنگ و شهادت در آن شرایطی که بزرگ‌ترین شجاعان دنیا را به تسلیم وادار می‌نمود، کارساز می‌شود و امام علیه السلام و یارانش به ذلّت تسلیم تن در می‌دهند.

خلاصه، جز عده معدودی، احدی از آنها نبود که بتواند خود را با حساب معنویات قانع سازد و از خسارت و صدمه معنوی‌ای که در این جنگ می‌بیند استقبال داشته باشد و مرگ در آن مهلکه را برای خود هلاکت حقیقی نداند. آنها نمی‌توانستند مواقف امام و یارانش را داشته باشند؛ زیرا بر باطل بودند و نمی‌توانستند در وجدان خود جنگ با پسر پیغمبر را توجیه کنند.

### سپاه حق، سپاه بصیرت

اما اصحاب امام علیه السلام همان‌طور که خود امام علیه السلام آنها را توصیف کرد و آنها نیز خودشان مکرراً اعلام کردند، به چیزی جز شهادت در راه امام علیه السلام راضی نمی‌شدند و همه آمده بودند که در آن مهلکه، جان خویش را فدا کرده و به فوز شهادت نایل شوند. هدفشان از اینکه

قرآن، موضع مجاهدین در راه خدا و در رکاب پیغمبر را به آن توصیف کرده و می فرماید:

﴿قُلْ هَلْ تَرَبُّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ﴾؛<sup>۱</sup>

بالا تر بود. موقف آنها بین تسلیم و ترک حق و ترک امام یا شهادت در راه خدا خلاصه شده بود و آن رادمردان ایمان و شرف انسانیت، شهادت را اختیار کرده بودند و لحظه ای در آن تردید نکردند و به اینکه بر حق اند و شهادتشان در راه خداست و در این جنگ، زیان نمی کنند و کشته شدنشان در نزد خدا بی عوض نمی ماند، ایمان محکم داشتند؛ از این جهت حتی یک تن از آنها در روز عاشورا میدان جنگ را خالی نکرد در حالی که دشمنانشان هر کجا خطر مرگ را می دیدند پا به فرار گذارده و می گریختند.

## شب عاشقان بی دل

شب عاشورا، خیام طاهره حسین علیه السلام و لشکرگاه آن حضرت پر از صفا و معنویت و شوق لقاءالله بود؛ صدای دلنوازشان به مناجات، بلند بود و تهجد و عبادتشان به انسانیت بها و ارزش می داد:

لَهُمْ دَوِيٌّ كَدَوِيٍّ النَّحْلِ مَا بَيْنَ رَاكِعٍ وَسَاجِدٍ  
وَقَائِمٍ وَقَاعِدٍ.<sup>۲</sup>

---

۱. توبه، ۵۲. «بگو: آیا درباره ما، جز یکی از دو نیکی (پیروزی یا شهادت) را انتظار دارید؟».  
۲. ابن طاووس، اللهوف، ص ۵۷؛ امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۰۱. «برای آنان آوازی بود همانند آواز زنبوران درحالی که برخی در حال رکوع، برخی در حال سجود، برخی در حال قیام و برخی در حال قعود بودند».

هیچ یک از آنها از اینکه فرداشب، زنده نیست متأسف نبود؛ فقط آن غیرتمندان باشهامت از این جهت نگران و متأسف بودند که می دانستند فرداشب، این باعظمت ترین بانوان بیوت شرف و کرامت، اسیر دشمن می شوند و حمایت کننده ای ندارند.

### شب اتمام حجت ها

منظره شب عاشورای حسین عَلَيْهِ السَّلَام و اصحاب آن حضرت، اتمام حجت دیگری با سپاه کوفه بود که بدانند می خواهند چه جنایت عظیمی را مرتکب شوند؛ تا بفهمند که با شب زنده داران و قاریان قرآن و بهترین خلق خدا روبه رو هستند؛ اگرچه بیشتر چهره هایی که برای یاری حسین عَلَيْهِ السَّلَام آمده بودند برای آنها ناشناخته نبود.

### ستارگان سپاه سیدالشهدا

حبیب بن مظاهرها و مسلم بن عوسجه ها، همه از کسانی بودند که سوابقشان در اسلام بر بیشتر سپاه کوفه به خصوص سران نامردشان پوشیده نبود و همه، آنها را به زهد، پارسایی، حفظ قرآن، عبادت و شخصیت می شناختند.

ابوعمر و نهشلی به تهجد و کثرت نماز توصیف می شد؛ همچنین سوید بن عمرو به شرافت و کثرت نماز، مشهور بود.

قارب، غلام امام، قاری قرآن بود، شؤذب، مجلس روایت داشت و از



مشایخ حدیث بود، همچنین بریر بن خضیر از قراء قرآن بود. قیس بن مسهر و عمرو بن خالد و ابو ثمامه و سوید و عبدالله بن عمیر و سعید بن عبدالله و... همه از شخصیت‌هایی بودند که حضورشان در رکاب امام عَلَيْهِ السَّلَام و فداکاری‌هایشان حقانیت خود و گروهشان را ثابت می‌کرد. علاوه بر اینکه جمعی از صحابه پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مانند: انس بن حارث، حیب بن مظاهر، مسلم بن عوسجه، ابوسلامه و هانی، عبدالرحمن بن عبد رب انصاری و عبدالله بن یقطر نیز به شرف افتخار جان‌نثاری حسین عَلَيْهِ السَّلَام مشرف بودند. اصحاب حسین عَلَيْهِ السَّلَام شامل بزرگان، حاملان حدیث، عبّاد، زهاد، قراء مشهور و صاحبان سوابق در مغازی بودند که کشتن هریک از آنها سندی معتبر برای محکومیت و بطلان طرف مقابل بود.

## آفتاب کربلا

بدیهی است که مشروعیت و حقانیت موقف حسین عَلَيْهِ السَّلَام به خود آن حضرت بود و اگر احدی از این بزرگان از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام و از آن صحابه هم، ملازم رکابش نبودند حقانیت حسین عَلَيْهِ السَّلَام و برحق بودن قیامش مسلم بود، اما شهادت این بزرگان نیز در کنار آن موج وسیعی که شهادت سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَام در دریای بیکران و پهناور عالم اسلام ایجاد کرد و تا امروز بر وسعت آن افزوده می‌شود، امواجی بود که هرکدام جلوه خاص و معنا و مفهومی را عرضه می‌کند و عظمت آن موجی که هرگز پنهان نمی‌شود را بیشتر نشان می‌دهد.

چنان‌که اجتماع سران اراذل و اوباش و اعدای اهل بیت علیهم‌السلام و افرادی که معلوم بود در شرکتشان هیچ هدف صحیح و مقصدی ندارند و در ارتکاب بدترین جنایت‌ها و انجام فجیع‌ترین بی‌رحمی‌ها شرکت جسته و نیز برای خوش‌رقصی و اظهار ذلت و خودفروشی به بنی‌امیه، آماده شده‌اند، موقف عزت، سربلندی و سرافرازی یاران ابی‌عبدالله علیه‌السلام را بیشتر آشکار می‌ساخت.

### خدا دوستانش را می‌شناسد

آری! فرشتگان الهی که به درگاه خدا عرض کردند:

﴿أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ؟﴾<sup>۱</sup>

به این گروه یزیدیان و شمر و ابن‌سعد و پیروان خطّ و راه آنها نظر داشتند. و خداوند متعال که در جواب آنها فرمود:

﴿إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾<sup>۲</sup>

به گروه حسین علیه‌السلام و اصحابش و کسانی که در طول تاریخ در این خطّ می‌باشند و از آنها پیروی می‌نمایند، عنایت داشت.

### فرصتی برای انس بیشتر

چنان‌که ارباب تواریخ و حدیث نگاشته‌اند، عصر روز تاسوعا وقتی

۱. بقره، ۳۰. «آیا کسانی خواهی گذاشت که در زمین فساد کنند و خون‌ها ریزند؟!».

۲. بقره، ۳۰. «من به آنچه شما علم ندارید، آگاهم!».

عمر سعد برحسب دستور ابن‌زیاد مبنی بر فوریت شروع جنگ، فرمان یورش به خیام طاهره را صادر کرد، به شرحی که در کتاب‌ها نوشته‌اند، امام حسین علیه‌السلام از آنها برای اجرای یک سلسه برنامه‌های عبادی و در واقع وداع با نماز، عبادات و تکالیف الهی یک شب مهلت خواست.

مؤمن آماده برای لقای خدا، در عین شدت شوق برای فوز به لقاء، ادامه انس نمازی و عبادی خود با خدا را نیز دوست می‌دارد و آن را هم ظهور و جلوه‌ای از لقاءالله می‌بیند؛ برای ولی‌اللهی مانند حسین علیه‌السلام که همه حالاتش در لقا می‌گذرد، همه جلوات جلوه‌های لقای حق، لذت‌بخش است.

### فرصت تفکر

این مهلت‌خواهی، متضمن معانی عالی و اعلان موضع برحق امام بر آن گروه ستمکار کافر بود، اعلان حقیقت، اعلان توحید و اعلان محکومیت دشمن بود و درعین حال مهلت و فرصتی برای سپاه عمر سعد بود که اگر برخی از آنان تا به حال فکر می‌کردند که جنگ، با تسلیم سیدالشهداء علیه‌السلام و اصحابش به پایان می‌رسد و به شمشیرکشیدن بر روی آن حضرت، که با شمشیرکشیدن بر روی پیغمبر فرقی ندارد، منتهی نمی‌شود، اکنون که بر سر دو راهی جهنم و بهشت قرار گرفته‌اند در این یک شب در کار خود تأمل کنند.

اگر در همان عصر تاسوعا جنگ بلافاصله شروع می‌شد، برای آن عده‌ای که شب عاشورا به اصحاب امام علیه السلام می‌پیوستند دیگر فرصتی برای تصمیم‌گیری و بازگشت به سوی حق وجود نداشت و چه بسا که برای سعادت‌مندی مانند حرّ نیز سعادت ندامت و رجوع به حق حاصل نمی‌گردید.

بنابراین، این مهلت یک‌شبهه اگرچه به حسین علیه السلام و اصحابش برای عبادت داده شده بود، اما مهلتی برای سپاه عمر سعد هم بود که در این یک‌شب فکر کرده و با رجوع به وجدان خود تصمیم بگیرند؛ اگرچه ابن‌سعد و شمر و سنان‌ها تصمیم خود را گرفته بودند و برای محاربه با خدا به کربلا آمده بودند، اما بسیاری بودند که به زور و تهدید و تحت‌تأثیر عواملی چون ضعف ایمان و نداشتن شجاعت نفسانی، و به امید خاتمه‌غائله با تسلیم‌شدن امام علیه السلام بودند؛ از این رو برای اینکه بر آنها اتمام‌حجت شود، این فرصت یک‌شبهه لازم بود که همین فرصت در رجوع عده‌ای به حق، مؤثر واقع گردید.

## شوق دیدار

شب عاشورا، صدای عبادت و مناجات دلنواز حسین علیه السلام و اصحاب بزرگوارش صحرای کربلا را آکنده از عطر روحانیت، معنویت، شور و شوق و توجه به خدای متعال کرده بود؛ گروهی

پاکباز، دل از جان شسته و خود را به خدا فروخته و مطلوب و مقصود خود را یافته بودند و دعوت به قرآن، دعوت به حق، دعوت به محکوم کردن ظلم و استکبار و دعوت به نصرت حق و دفاع از نوامیس دین را لَبَّیک گفته بودند.

دعاهایشان همه مشحون به معرفت و حمد و شکر الهی بود؛ خالصانه‌ترین ستایش‌ها و نیایش‌ها همان بودند که آن عزیزان درگاه خدا، به پیشگاه معبود حقیقی خود تقدیم می‌کردند. آنان دلشان فارغ از همه اغیار، و پر از اخلاص و محبت به او بود. آن حالی را که داشتند مغتنم می‌دانستند و به آن معراجی که عروج کرده بودند سرفراز و سربلند بودند.

### قلب‌های تاریک

اما از آن سو، گروه یزیدیان که این منظره روحانی انصارالله در برابرشان قرار داشت، در عمق ظلمات و تاریکی‌هایی که در آن غوطه‌ور بودند و «بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ»<sup>۱</sup> بود، آن روشنایی جهان‌تاب را می‌دیدند. اگر در آنها صاحب وجدانی بود غیر از خجالت، سرافکنندگی و از خود بی‌زاری، چه احساسی می‌توانست داشته باشد؛ آنها نه دستشان به دعا بلند می‌شد و نه می‌توانستند با عالم معنویت و لذت احساس به کمال و درک حق، ارتباط برقرار کنند. آنها چه

---

۱. اشاره به آیه ۴۰ سوره نور.

دعایی می توانستند داشته باشند؟ آیا می توانستند پیروزی بر حق را از حق طلب کنند؟ آیا واقعاً می توانستند از خدا بخواهند که حسین علیه السلام و یارانش به دست آنها کشته شوند؟ به یقین حتی عمر سعد که با این زبان به لشکرش گفت:

«يَا حَيْلَ اللَّهِ ارْكَبِي وَيَا لِحَنَّةِ أَبْشِرِي»<sup>۱</sup>

نیز نمی توانست میان خود و خدا، به حسین نفرین کند، او خوب می دانست که بهشت و رضای خدا با کاری که او می خواهد انجام دهد حاصل نمی شود. اگر کسی در لشکرگاه عمر سعد دارای ضمیر بیداری بود و دعا می کرد، دعایش غیر از این نبود که: «خدایا! فردا مرا از درگیر شدن با حسین علیه السلام و اصحابش نگهدار! مرا به شقاوت شرکت در خون حسین یا کشته شدن به دست حسین علیه السلام، مبتلا نساز! و همین عده معدود بودند که دعایشان مستجاب شد و به حسین و انصار حسین ملحق شدند.

به راستی که شب غریبی بود آن شب، و این دو گروه را حالات غریب متضادی بود.

## یاوران حقیقی

حسین علیه السلام با دلی آرام و مطمئن و سرشار از شوق به لقاء الله خطبه

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۱؛ بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم، ص ۲۴۲. «ای لشکریان خدا سوار شوید و بر حسین یورش برید که به بهشت بشارتتان باد».

خواند؛ خدا را به نیکوترین بیان، نیایش و ستایش کرد و بر اینکه آنها را به نبوت، پیامبری، علم قرآن و فقه دین سرافراز فرموده و چشم و گوش و دل (بصیرت و بینش همه‌جانبه) بخشیده، حمد نمود و اصحاب خود را مدح و توصیف کرده و فرمود:

«فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي  
وَلَا أَهْلَ بَيْتِ أَبْرَ وَلَا أَوْصَلَ وَلَا أَفْضَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي  
فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا»؛<sup>۱</sup>

«من اصحابی را باوفاتر و بهتر از اصحاب خودم و  
اهل بیتی را نیکوکارتر، وصلهٔ رحم‌کننده‌تر و برتر از  
اهل بیت خویش نمی‌دانم؛ خدا شما را از جانب من  
پاداشی نیک دهد.»

سپس به آنها فرمود که شرط نیکی و یاری را به‌جا آوردید و به آنان  
اذن داد که از آن اقیانوس مواج پر از آزمایش به کنار روند و جان خود  
را نجات دهند و آنها را از بیعت و تعهدی که نسبت به آن حضرت  
داشتند آزاد و بری الذمه فرمود که بروند و متفرق شوند و به منازل و  
شهرهای خود برگردند.

«فَإِنَّ الْقَوْمَ إِنَّمَا يَطْلُبُونِي وَلَوْ قَدْ أَصَابُونِي لَهَوَا عَنْ  
طَلْبِ غَيْرِي»؛<sup>۲</sup>

---

۱. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۹۱؛ ابن‌نما حلی، مشیرالاحزان، ص ۳۸.  
۲. طبری، تاریخ، ج ۴، ص ۳۱۸؛ ابن‌اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۵۸؛ ابن‌کثیر،  
البدایة و النهایة، ج ۸، ص ۱۹۱.

«این مردم قصد من را دارند و در جستجوی من هستند  
اگر به من دست بیابند کاری به دیگران ندارند».

آن اهل بیت بزرگوار و آن اصحاب باوفا یک قول و یک سخن، پاسخ دادند که ما هرگز چنین کاری نمی‌کنیم و امام خود را در میان دشمن، بی‌یار و تنها نمی‌گذاریم.

برادران آن حضرت، برادرزادگان و عموزادگانش همه گفتند، ما چنین نکنیم، چرا برویم؟ برای اینکه بعد از تو زنده بمانیم؟!  
«لَا أَرَأَا اللَّهَ ذَلِكُ أَبْدًا»<sup>۱</sup>

«خدا هرگز آن را برای ما پیش نیاورد».

ما جان خود و کسان خود را فدای تو می‌کنیم و در راه تو جهاد می‌کنیم و در هر بلا و مصیبتی که تو وارد شوی ما نیز وارد می‌شویم.

## دژهای محکم ایمان

پس از اینکه بنی‌هاشم از این مقوله سخن گفتند و تصمیم قاطع خود بر شهادت را اعلام کردند اصحاب به نوبه خود برمی‌خاستند و با عرض جان‌فشانی و جان‌نثاری در آن موقعیت به‌ظاهر پیر از رعب و وحشت، که برحسب عرف و عادت باید از آن پیشنهاد امام عَلَيْهِ السَّلَام استقبال نمایند، ایمان محکم خود را به امام عَلَيْهِ السَّلَام و راهی که در پیش گرفته اظهار می‌نمودند و به مرگ و آن شداید و مصائب جانکاهی که

۱. طبری، تاریخ، ج ۴، ص ۳۱۸؛ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۹۱؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۳.



پیش رو داشتند اهمیتی نمی‌دادند و خوشحال و سرافراز بودند که از بوته امتحان چنان بی‌غل و غش بیرون می‌آیند.

## در آرزوی شهادت

مسلم بن عوسجه ضمن بیان سخنانی پر از معنا و حقیقت، گفت:  
به خدا قسم اگر بدانم کشته می‌شوم سپس زنده می‌شوم و باز کشته می‌شوم و به آتش سوزانده می‌شوم و خاکسترم بر باد داده می‌شود و هفتاد بار با من چنین رفتار نمایند، از تو جدا نمی‌شوم تا جانم را در راه تو فدا نمایم؛ پس چگونه دست از دامن تو بردارم در صورتی که غیر از یک کشته شدن نیست که آن‌هم موجب کرامت بزرگ‌تر و جاوید است؟<sup>۱</sup>

زهیر گفت:

دوست دارم هزار بار مرا بکشند و خداوند متعال به کشته شدن من، از تو و از این جوانان اهل بیت کشتن را بگرداند.<sup>۲</sup>  
سایر اصحاب نیز آنچه باید در چنین موقعیتی بگویند را به عرض رساندند و دلاوران جهان و قوی‌دلان را از درجه بلند قوت، استقامت، بی‌پروایی از مرگ و وحدت کلمه خود مبهور و متحیر ساختند.

۱. ابن‌اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۵۵۹.

۲. ابن‌اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۵۵۹.

## بزرگ‌ترین معامله تاریخ

آری! آنچه این رادمردان می‌خواستند، بهایش همان بذل آن نفوس طیبه و جان‌های پاک بود.

احیای دین، برانداختن بدعت‌ها، اعلا‌ی کلمة‌الله، نجات اسلام و معالم انسانیت از خطر اضمحلال، ابطال باطل، تبدیل تفکر اموی به تفکر محمدی و اسلامی و محکوم‌ساختن حکومت مشرکانه سفیانی بود که به قول شاعر:

لَوْلَا صَوَارِمُهُمْ وَوَقَعُ نَبَالِهِمْ  
لَمْ يَسْمَعْ الْآذَانُ صَوْتِ مُكْبِرٍ<sup>۱</sup>

آنان با بذل جان، رضای خدا و خشنودی رسول خدا و نصرت حق و نصرت قرآن را می‌خریدند. آنها به رضوان خدا نظر دوخته بودند و الحق در معامله‌ای که کردند آن‌چنان سودی بردند که احدی از انبیا و اولیا در معامله با خدا بیشتر از این سود نبرده است.

## نامی به بلندای تاریخ

آن شب و آن روز در بستر زمان بسیار کوتاه بود و به‌سرعت گذشت، اما آن صبر، پایداری و استقامت بر تصمیم در هر ثانیه‌ای از آن شب و روز تنها از کسانی مانند آن نخبگان فضیلت و شخصیت، قابل ظهور و صدور است.

۱. اگر شمشیر آتشبار و تیراندازی آنان نبود گوش‌ها هرگز صدای تکبیرگویی را نمی‌شنیدند.

گوارا باد بر آنان رضای خدا و رضای رسول خدا ﷺ و رضای امیرالمؤمنین علیؑ و رضای فاطمه زهراؑ و رضای امام مجتبیٰ علیؑ و رضای آقا و مولایشان حسین علیؑ.

همه جهات مادی آنها - که عاقبت هم از میان می‌رود - در آن معرکه از بین رفت، اما فضیلت، معنویت و نام بلند آنها باقی ماند و اگرچه دشمن بر آن ابدان طیبه چیره شد اما هرچه کرد نتوانست بر مکارم اخلاق، حریت، ایمان، اضطبار و موضع ضد ظلم و استضعاف آنها مسلط شود.

قَدْ غَيْرَ الطَّعْنُ مِنْهُمْ كُلَّ جَارِحَةٍ إِلَّا الْمَكَارِمَ فِي أَمْنٍ مِنَ الْغَيْرِ

خدایا! ما آنها را دوست می‌داریم و به کار آنها راضی و خشنودیم و مواضع آنها را می‌ستاییم؛ ما را در زمره آنان و دوستانشان مقرر فرما.

## در سودای محبت دوست

اگر شنیده‌اید که فرموده‌اند اصحاب سیدالشهدا علیؑ درد شمشیر را احساس نمی‌کردند، باور کنید و تعجب نکنید! آنچه آنها می‌دیدند و به شوق آنچه آنها می‌رزمیدند و نیل به مقامات و درجاتی که آنها به آن ایمان داشتند، شخص را از احساس رنج و درد تیر و شمشیر باز می‌دارد.

---

۱. ازری، دیوان، ص ۳۰۱. طعن نیزه‌ها همه جوارح آنها را تغییر داد جز اخلاق پسندیده آنان که از هر تغییری در امان است.

انسانی که گرم توجّه به حقّ تعالی است و در عوالم وصال با او سیر می‌کند اگر غیر او و خودش را فراموش کرده و خلع بدن شده باشد عجیب نیست چنان‌که معروف است که پیکان تیر را از بدن امیرالمؤمنین علیه السلام در حال نماز می‌کشیدند و آن حضرت دردی احساس نمی‌فرمود:

در نماز آن چنان ز جا رفتی	که دعاوار بر سما رفتی
پر به سودای تن نکوشیدی	گاه کنّدی و گاه پوشیدی
بود غفلت ز سلخ پیکانش	که به تن بود آن نه برجانش

وقتی که بانوان مصری با دیدن جمال یوسف چنان از خود بی‌خود شدند که برحسب آیه کریمه:

﴿فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ﴾<sup>۱</sup>

دست‌های خود را به جای ترنج بریدند و به آن التفات نداشتند، پس اگر اصحاب سیدالشهدا علیه السلام با آن درجه بلند معرفت و با اینکه غرق تماشای جمال الهی بودند و برحسب اخبار، حضرت منازل آنها را به آنان نشان داد، ضرب شمشیر و تیر و نیزه را بر جان خود

---

۱. یوسف، ۳۱. «هنگامی که چشمشان به او افتاد، او را بسیار بزرگ شمردند و دست‌های خود را بریدند و گفتند: منزّه است خدا؛ این بشر نیست این یک فرشته بزرگوار است!».

خریدند و آن چنان گرم شور و شوق و فوز به لقاءالله و ثواب حق تعالی شدند، جای تعجب نیست.

## برگزیدگان مکتب ایمان

این اصحاب، برگزیدگانی بودند که از پیش برای چنین امتحانی آماده شده بودند و در درک این فضیلت از همه بزرگان و اصحاب پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و یاران امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام که در آن عصر زنده بودند، پیشی گرفته و بر همه، فضیلت، بلندی و رتبت یافتند.

در کتاب *بصائرالدرجات* از حذیفه بن اسید غفاری قریب به این مضمون نقل شده است که:

پس از اینکه حضرت مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام از کوفه به سمت مدینه عزیمت کرد من در التزام رکاب آن حضرت بودم و شتری را دیدم که باری بر آن است و پیشاپیش حضرت، حرکت می‌کند. به حضرت عرض کردم: «جُؤِبْتُ مَا فِيمَا لَكَ (فدایت شوم)!» مگر بار این شتر چیست که شما به آن توجه دارید و آن را زیر نظر قرار داده‌اید؟. فرمود: «طومار اسامی شیعیان ماست». گفتم: فدایت شوم! می‌شود آن را به من نشان بدهی تا نام خودم را در آن ببینم؟. فرمود: «آری! فردا صبح نزد من بیا». از آنجا که من خود خواندن نمی‌دانستم، برادرزاده‌ام را

به همراه خویش بردم. حضرت مجتبیٰ علیه السلام فرمود: «این جوان کیست؟». عرض کردم: برادرزاده من است؛ او را آورده‌ام تا نام مرا در آن طومار ببیند. حضرت مرا امر به نشستن فرمود و دستور داد آن دیوان و دفتری را که در میانه است بیاورند. برادرزاده‌ام در آن نگرست و گفت: عمو! اسم من در این صحیفه است. گفتم: من تو را آورده‌ام تا نام من را بجویی و تو نام خود را می‌خوانی؟. جوان چند برگگی را ورق زد و سپس نام مرا نیز در آنجا پیدا کرد. من از این در تعجب ماندم که چگونه نام او پیش از نام من ثبت شده بود تا اینکه آن جوان در رکاب حضرت سیدالشهداء علیه السلام افتخار شهادت یافت و راز آنکه اسم او را در ورق‌ها پیش از نام عمویش، حذیفه ثبت کرده بودند، معلوم شد.<sup>۱</sup>

شاید از این جهت باشد که وقتی ابن عباس جبر امت به ترک ملازمت رکاب سیدالشهداء علیه السلام در سفر به کربلا مورد عتاب و ملامت قرار گرفت، جواب داد: إِنَّ أَصْحَابَ الْحُسَيْنِ لَمْ يَنْقُصُوا رَجُلًا وَكَمْ يَزِيدُوا رَجُلًا نَعَرَفُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ شُهُودِهِمْ؛<sup>۲</sup> اسامی اصحاب امام حسین علیه السلام را از قبل می‌دانستیم، نه یک نفر کم و نه یک نفر زیاد.

۱. صفار، بصائر الدرجات، ص ۱۹۲-۱۹۳.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۵۳؛ بحرانی، مدینه معجز الائمة الاثنی عشر علیهم السلام،

ج ۳، ص ۴۵۰۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۵؛ سماوی، ابصار العین، ص ۱۳.

و از محمد بن حنفیه نقل است که گفت: «إِنَّ أَصْحَابَهُ عِنْدَنَا لَمَكْتُوبُونَ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ»؛<sup>۱</sup> اصحاب امام حسین علیه السلام در نزد ما با اسامی خود و پدرانشان مشخص بود.

سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي  
حَلَّتْ بِفِنَانِكَ عَلَيْكُمْ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ  
مَعَكُمْ فَأَفُوزُ فَوْزاً عَظِيماً.

---

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۵۳؛ بحرانی، مدینه معاجز الائمة الاثنی عشر علیهم السلام،

ج ۳، ص ۴۵۰۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۵؛ سماوی، ابصارالعین، ص ۱۳.



## صبح عاشورا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ

### صبحی سهمگین

صبح روز عاشورا، صبح روز رستاخیز عظیمی است که بشریت در هولناک‌ترین مواقع و هراس‌انگیزترین ایستگاه‌ها قرار گرفت و با حوادثی روبه‌رو شد که فرشتگان آسمانی را هم به شگفتی انداخت. صبحی است سخت رهیب؛ مخاطراتی که در پی دارد و امتحاناتی که برای انسان پس از آن پیش می‌آید، چنان شکننده است که شکست‌ناپذیری در برابر شداید آن، جلوه‌ امر محال و غیرممکن را دارد. اگر آن سختی‌ها بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها فرود می‌آمد، تحمّل آن را نداشتند و اگر توان همه افراد بشر را یک نفر داشته باشد باز هم توان غلبه بر شداید و مصائب این روز از صاحب آن، عجیب و حیرت‌انگیز است.

### جلوه‌ گاه ایستادگی

استقبال از این روز، تنها در تاریخ انسانیت، از یک نفر صادر شده



است<sup>۱</sup> و نه پیش از او سابقه داشته و نه بعد از آن اتفاق می‌افتد؛ یک نفر که از نظر ظاهری یک تن بود، اما از نظر معنا و بصیرت در معنویت و شخصیت، یک عالم و عالم‌ها و بیش از آسمان‌ها و زمین و بهشت و آنچه در آنهاست بود، و همان مثال حقیقی و اکمل: «الصُّورَةُ الْإِنْسَانِيَّةُ هِيَ أَكْبَرُ حُجَجِ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ، وَهِيَ الْكِتَابُ الَّذِي كَتَبَهُ بِيَدِهِ وَهِيَ الْهَيْكَلُ الَّذِي بَنَاهُ بِحِكْمَتِهِ، وَهِيَ مَجْمُوعُ صُورِ الْعَالَمِينَ وَهِيَ الْمُخْتَصَرُ مِنَ الْعِلْمِ فِي اللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ»<sup>۲</sup> بود، بزرگ‌مردی که در این روز و در این میدان پر از آنچه در نظر همه وحشتناک، هول‌انگیز و غیر قابل تحمل است، ایستاد.

آن کس که اصالت و شرف انسان، اوج عظمت خود و ارزش انسان در تمام عوالم خلقت را به همه مخلوقات و ممکنات نشان داد و آیاتی مانند: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»<sup>۳</sup> و «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ

۱. البته بزرگانی مثل سایر خمسة النجباء عليهم السلام نیز واجد همین قدرت روحی و توان عظیم ایمانی بودند اما اجرای این برنامه عظیم و ایستادن در موقف تاریخی و بی‌نظیر به عهده حسین عليه السلام و بر دوش آن حضرت افتاد.

۲. «صورت انسانیّت بزرگ‌ترین حجّت‌های خدا بر خلق اوست و آن کتابی است که خدا با دست توانای خود آن را نوشته و آن هیکلی است که به حکمت خود آن را بنا کرده و آن مجموع صورت جهان‌ها و عوالم است و آن مختصر علوم است که در لوح محفوظ است». حدیث معروف است و صدر آن به این متن در *تفسیر الصافی*، در تفسیر آیه ۲ سوره بقره نقل شده است: «الصُّورَةُ الْإِنْسَانِيَّةُ هِيَ أَكْبَرُ حُجَّةِ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ وَهِيَ الْكِتَابُ الَّذِي كَتَبَهُ اللَّهُ بِيَدِهِ». ر.ک: فیض کاشانی، *تفسیر الصافی*، ج ۱، ص ۹۲.

۳. تین، ۴. «به تحقیق که ما انسان را به بهترین صورت و نظام آفریدیم».

الْخَالِقِينَ<sup>۱</sup> و ﴿إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾<sup>۲</sup> را تفسیر نمود، حسین عَلَيْهِ السَّلَام است؛ حسین انسانیت، حسین ملائکه، حسین انبیا، حسین ابراهیم و موسی و مسیح، حسین محمد و علی و فاطمه، حسین حسن، حسین اسلام، حسین قرآن، حسین صبر و استقامت، حسین حق و عدالت، و در نهایت حسین خدا و حسین و حسین.

### صبح مصیبت‌ها

صبح روز عاشورا است؛ صبحی که آستان مصائب جانکاهی است که حسین عَلَيْهِ السَّلَام و اهل بیت و اصحابش باید به استقبال آنها بروند و از دین، قرآن و شرف آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام همه انسان‌های شریف، دفاع کنند و در این روز، یگانه راهی را که طی کردن آن برای نخبگان در طول قرن‌ها میسر نمی‌شود، با عزت و سرافرازی طی نمایند.

صبح عاشورا است؛ انبوه لشکر ظلم و ضد انسانی، لشکری که برای انجام بزرگ‌ترین جنایات آماده شده بودند، گروه معدود و به ظاهر اندک از نخبگان عالم وجود را محاصره کرده بودند.

### عاشورا جلوه گاه توکل

حسین عَلَيْهِ السَّلَام و اصحابش با تصمیم قاطع و عزمی راسخ، به تمام دنیا، مردم آینده جهان، فرشتگان و همه، اعلام وجود می‌نمایند، و الله اکبر از آن عظمت ایمان و عظمت هدف و مقصد!

۱. مؤمنون، ۱۴. «پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است».

۲. بقره، ۳۰. «من به آنچه شما علم ندارید، آگاهم!».

حسین علیه السلام اگرچه وجودش مالا مال از توجه خاصّ به خداوند متعال بود و اگرچه دلش در حدّ کمال، محکم و استوار بود و می‌دانست که در آن معرکه، که دشمن همه‌گونه شرارتی را مرتکب می‌شود، نه خودش و نه اصحابش شکست نمی‌خورند، و با روحیه و قوّت ایمان به خدا در خطّ خود و صراط مستقیم فداکاری در راه دین و استقبال از شهادت، دشمن را بیچاره می‌نمایند، اما باین همه، مرد موّحد و بنده خاص و خالص خدا همه چیز و همه نیروها را از او می‌داند و فقط او را حیّ و قیوم می‌شناسد، از این رو با ابتهال تمام، از خدا طلب کمک کرده و وثوق و اعتماد خود به پروردگارش را اعلام می‌نماید، و چنان دعا و ابتهال می‌کند که زبان و بیان ما از تقریر این شور و شوق و توجه حسین علیه السلام و اصحابش به خدا عاجز است.

### دعای حسین علیه السلام چه بود؟

حسین علیه السلام در این روز آنچه را که به ظاهر برای انسان عزیز است و همه برای حفظ آنها دعا می‌کنند، در ورطه خطر قطعی می‌بیند. او دعا می‌کند، اما دعایش نجات ظاهری از این ورطه و امتحان بزرگ نیست؛ دعا نکرد که خدایا! جوانانم و برادرانم را از این قتل و شهادت و اهل بیت را از اسارت، نجات بده و آنها و اصحابم را باقی بدار، یا شیرخوارم را مورد ترحم این اشرار قرار بده؛ نه! او این‌گونه دعا نمی‌کرد و هیچ‌یک از اصحاب و یاورانش هم این‌گونه دعا نمی‌کردند؛

آنها همه به شهادت می‌اندیشیدند؛ آنها از اینکه انصار خدا، انصار رسول خدا و انصار حق می‌باشند به خود می‌بالیدند.

## در اندیشه شهادت

و چیزی که به فکر آنها خطور نمی‌کرد، نجات از مرگ بود. آنها همه مستغرق در بحار توجه به خدا و نیل به فوز شهادت بودند، دعایشان این بود که در شهادت و ایثار جان در راه خدا هرچه بیشتر، خالصانه موفق‌تر عمل نمایند و فداکارتر باشند و در برابر ضربات تیرها و شمشیرها و نیزه‌های دشمن، شایق‌تر ایستادگی نمایند؛ کشته‌شدن در راه خدا و شهادت، فوز عظیمی بود که به چشم خویش می‌دیدند و با اختیار و اشتیاق تمام به سوی آن می‌شتافتند.

## پرواز روح

دعای حسین علیه السلام در این روز، دعایی است که اوج پرواز روح آن حضرت را به نمایش گذاشته، و ارتباط خاص و خالص او با خدا را بیان می‌کند. نکته‌های بزرگی که در این دعا و در این موقعیت نهفته، بسیار آموزنده و سازنده است؛ این بالاترین مقام ربط و قرب آنان به خداست؛ انسانی که تمام وجودش معنای **﴿إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾** است. دعا این است:

---

۱. انعام، ۱۶۲. «نماز و تمام عبادات من و زندگی و مرگم برای خداوند؛ پروردگار جهانیان است.»

«اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقَيَّتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ وَرَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ  
وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ، كَمْ مِنْ هَمٍّ  
يَضْعَفُ فِيهِ الْفُؤَادُ وَتَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَيَخْذُلُ فِيهِ الصَّدِيقُ  
وَيَسْنَمْتُ فِيهِ الْعَدُوُّ، أَنْزَلْتَهُ بِكَ وَشَكَوْتُهُ إِلَيْكَ رَغْبَةً مِنِّي  
إِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ فَفَرَّجْتَهُ وَكَشَفْتَهُ وَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ  
وَصَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ»<sup>۱</sup>.

### چند نکته از یک دعا

در این دعا، که جمله‌های توحیدی آن را بزرگان علما و اهل معرفت و ارتباط با حقایق عالی و معانی متعالی باید شرح بدهند و برهان قدرت ایمان، وثوق، اعتماد و امید امام علیه السلام به خداست، به نکته‌های بزرگی اشاره شده است.

اول: توحید در مقام وثوق و اعتماد و اتکا؛ امام علیه السلام در اندوه‌ها تنها

---

۱. ابومخنف، مقتل الحسين علیه السلام، ص ۱۱۵-۱۶۶؛ طبری، تاریخ، ج ۴، ص ۳۲۱؛ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۹۶؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۱۴، ص ۲۱۷؛ ابن اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۶۰-۶۱؛ زرنندی، نظم درالسمطین، ص ۲۱۶. «ای خدا! در هر گرفتاری و اندوه پناه من تو هستی و در هر سختی امید من تو هستی. در هر چه بر من روی آورد تو پناه و یاری کننده من هستی. چه بسیار از غم‌هایی که دل را به تپش در می آورد و چاره را کم می کند و رفیق را درمانده و دشمن زبان به شماتت باز می کند. به تو واگذار نمودم و شکایت آن را به تو کردم برای رغبتی که فقط به تو داشتم نه به غیر تو، و تو آن غم را دفع کردی. پس تو صاحب هر نعمت و هر خوبی هستی و منتهای هر آرزویی تویی».

خدا را پشتیبان و تکیه‌گاه خود می‌داند و به احدی غیر از خدا اعتماد و اتکا ندارد.

دوم: توحید در مقام رجا و امید؛ که در این مرتبه و مقام نیز حسین علیه السلام در هر شدت و سختی به او و حُسن قضای او امیدوار است.

سوم: خدا را ستایش می‌نماید که در همه حالات و همه هم و غم‌ها، هموم و غموم او را برطرف ساخته و غصه‌هایی که دل را ضعیف می‌نماید و راه چاره در آنها بسته می‌شود و در آن دوست، شخص را وامی‌گذارد و دشمن، شماتت می‌نماید، برطرف فرموده است. در اینجا و در این موقف هولناک نیز از خدا می‌خواهد که به او توان حفظ آن موقف را عطا کند و او را در تحمل این همه مصیبت‌ها و بلیات یاری فرماید که تا پایان راه، همه این مدارج و معارج را خودش و اهل بیت و اصحابش با عزمی خلل‌ناپذیر طی نمایند، و مشتاقانه، یکایک گردنه‌های خوفناک این وادی را پشت سر گذاشته و پیش بروند؛ و بروند تا به جایی برسند که دیگر این عقل‌های محدود ما از درک اوج آن عاجز است، و همه قلّه‌های عظمت را فتح نمایند.

### و دعای حسین علیه السلام مستجاب شد

این دعا و این ابراز اعتماد و وثوق به بهترین وجهی مستجاب شد، و حسین علیه السلام به آنچه اراده کرده بود و می‌خواست، رسید؛ همه مقاصدش حاصل شد و همه حوائج حقیقی و خواسته‌هایش برآورده گردید؛ همه

یاران و اصحابش قلّه‌های بلند تقرب به خدا را فتح نمودند و برکات کار آنها تا روز قیامت، شکوفا و زنده و پایدار است و آیه شریفه:

﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا  
ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾<sup>۱</sup>

در طول قرون و اعصار تا روز قیامت، تفسیر شد.

وَالسَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ  
وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.<sup>۲</sup>

---

۱. ابراهیم، ۲۴. «خداوند کلمه طیبه را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرد که ریشه آن ثابت و شاخه‌های آن در آسمان است».

۲. نگاشته صبح عاشورای ۱۴۲۸ هـ. ق.





فصل دوم:

پیام های عاشورایی





## صراط مستقیم حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ

أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلَنَا  
وَأَيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِنَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ  
آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا  
فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾<sup>۱</sup>.

### شکست ناپذیران عرصه کربلا

تاریخ رجال بزرگ عالم بشریت، مردان خدا، انبیا، اولیا، از مواقف بسیار هولناک و وحشت‌زا و روزها و هنگامه‌های بسیار خطرناکی که برای آنها پیشامد نموده، حکایت می‌کند که حفظ موضع، مقام، استقامت و انجام وظیفه در آن شرایط موحش، نه تنها کار انسان‌های

---

۱. احقاف، ۱۳. «کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس استقامت ورزیدند، ترسی بر آنان نیست و آنان اندوهگین نمی‌شوند».

عادی نیست؛ بلکه بسیاری از تَهْمَنان، شیردلان و صاحبان عزم و اراده آهین نیز در این مواقف به زانو درآمده و در موضع و مقامی که باید بر سر آن بایستند پایدار نمی‌مانند. این مواقف گاه تا حدی بلاخیز و مصیبت‌زاست که در عرف اکثریت، استقامت بر آن محال و ترک آن مُجاز شمرده می‌شود.

کسانی که در این مواقف ایستادند و انجام وظیفه نموده، از شرف انسانیت و ایمان و عقیده خود به خدا دفاع کرده، خطرات را تحمل نموده و در امواج بلیّات و تلاطم اقیانوس‌های مصائب و فشارها غرق نشدند، از نوادر عالم خلقت می‌باشند.

آنان شکست‌ناپذیر، شککیا و مقاوم بر جای می‌مانند و جز در مقابل خدای عظیم در برابر احدی سر تسلیم فرود نمی‌آورند و هیچ‌گونه فشار، محرومیت و مصیبتی روحیه آنها را دستخوش تلاطم نمی‌کند.

نه بیم از زوال مقامات بلند و ظواهر و مظاهر فریبنده جهان - که بسیاری فریفته و دلباخته آن هستند - آنها را به عوض کردن مسیرشان وادار می‌سازد و نه ترس از شداید، رنج‌ها و سختی‌ها، در صبر و مقاومتشان سستی ایجاد می‌کند؛ کوه‌های سخت از هم می‌پاشند اما این رجال الهی متزلزل نمی‌شوند.

﴿رَجَالٌ لَا تُلِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ

الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ  
الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ<sup>۱</sup>؛

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا  
اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ  
مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾<sup>۲</sup>.

### مقصد تربیتی انبیا

یکی از مقاصد مهم بعثت انبیا و تربیت‌های وحیانی، پرورش همین روحیه مقاومت در برابر اموری است که تسلط آنها بر بشر موجب هلاکت، خسران، زیان معنوی و واقعی و سقوط او می‌گردد. همه باید مقاوم تربیت شوند و همه باید بر غرایز و خواسته‌های حیوانی و مشتهیات جسمانی مسلط شوند تا در برابر نفس اماره، شهوت، حب جاه، حب مال، حب دنیا و جنود جهل مغلوب نشوند و در این میدان و رزمگاهی که همواره برپاست غالب و پیروز باشند.

### پیروزمندان عرصه بندگی

در این میان، چنان‌که گفته شد انبیا، اولیا و ائمه هدی علیهم‌السلام از همگان گوی

۱. نور، ۳۷. «مردانی که تجارت و معامله، آنان را از یاد خدا، اقامه نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند. آنان از روزی می‌ترسند که در آن دل‌ها و دیدگان زیرورو می‌شوند».
۲. احزاب، ۲۳. «از میان مؤمنین مردانی هستند که برابر عهد خویش با خداوند صادقانه ایستاده‌اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر رسانیدند و بعضی دیگر در انتظارند، و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد خویش نداده‌اند».

سبقت ربوده‌اند و پیروزمندانه مواقف خود را حفظ نموده و عوامل سلبی یا ایجابی در اراده و عزم آنها اثری نبخشیده است. موقف ابراهیم خلیل، موسای کلیم، عیسی مسیح و مواقف عظیم حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله، مواقف امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و سایر ائمه هدی علیهم السلام، همه سرمشق، آموزنده، فوق‌العاده و از مظاهر بزرگ اوج عظمت مقام انسانی و برتری آنها بر فرشتگان و ملائکه است.

### راه حسین علیه السلام صراط مستقیم

در این میدان ظهور، موقف حسین علیه السلام و استقامت و پایداری آن حضرت، بی‌مانند است؛ آن موقف پر از مصیبات و عوامل بازدارنده‌ای که همه - حتی برحسب زیارت ناحیه مقدسه - ملائکه را شگفت‌زده کرده که اگر این بشر است، پس این همه مردمی که اسیر هوا و هوس خود شده و بنده زر و مال و گرفتار ظلم، تجاوز، شرک و کفرند، کیستند؟!

با چنین حُسن و ملاححت اگر اینان بشرند

ز آب و خاک دگر و شهر و دیار دگرند

این موقف، شرایطی بود که برای هیچ‌یک از انبیا و اولیا؛ نه آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و نه شخص اول عالم امکان، حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و نه برای حضرت ابوالولیا، امیرالمؤمنین علیه السلام و نه برای سایر ائمه هدی علیهم السلام پیش نیامد و این موقف، مختص به خود آن حضرت بود و این ظهور و جلوه کرامت انسانیت تنها در این موقف، تجلی نمود.

هر انسانی که بخواهد از این موقف عظیم چیزی بگوید یا بنویسد اگر در اوج قدرت علمی و ادبی باشد، متحیر می‌شود که از کجا شروع کند و کدام یک از ابعاد بی‌متنهای این موقف الهی را مطرح نماید.

اگر کیهان‌شناسان، علمای هیئت، صاحبان معرفت و ارباب اطلاع از این جهان پهناور که تعداد کهکشان‌هایش را تا یکصد و بیست میلیارد هم شماره کرده‌اند و اگر دیگران و دیگران که در رشته‌های شناخت اجزای این جهان هستی از انسان، حیوان، کوه، دریا، نور، ذره و اتم و... آگاه و بااطلاع‌اند، در برابر قدرتی که این مخلوقات کوچک و بزرگ را آفریده، تکبیر و تهلیل و «سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» می‌گویند. ما قدرت بی‌انتهای همان خالق کهکشان‌ها و جمیع عالم آفرینش را در خلقت حسین عَلَيْهِ السَّلَام، صاحب آن همه عظمت‌ها هم می‌شناسیم و تسبیح، تهلیل و تکبیر می‌گوییم و «فَسُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْحُسَيْنَ وَأَهْلَ بَيْتِهِ وَأَوْلَادَهُ وَأَصْحَابَهُ وَأَنْصَارَهُ» بر زبان جاری می‌کنیم.

ما خطّ حسین عَلَيْهِ السَّلَام را، صراط مستقیم خطّ نجات و رستگاری می‌دانیم؛ خطّ جهاد، خطّ امر به معروف و نهی از منکر، خطّ مبارزه با کفر و بدعت، خطّ ایثار و فداکاری در راه حفظ اسلام، خطّ محکوم کردن رؤسای ضلالت و سران مروج فسق، ملامتی و مناهی.

## جایگاه عزاداری سیدالشهدا علیه السلام

ما به این خط‌مشی‌ها و عزاداری‌ها و سوگواری‌ها برای حسین علیه السلام و به برنامه‌های سازنده و تعهدبخش عاشورا و مجالس روضه، به همه افتخار می‌کنیم و این مراسم را، البته در محدوده التزام به حفظ تمام ضوابط شرعی، همه‌ساله احیا می‌کنیم و با اسلام و دین و مذهب تجدید عهد می‌نماییم و همچنین عزاداری و گریه برای امام حسین علیه السلام و زیارت او را موجب مغفرت و آمرزش گناهان می‌دانیم و برای این برنامه‌ها، معانی عالی و تفسیرهای بلند داریم.

## عاشورا و مسئولیت‌ها

باید با یاد و تذکر خاطره عاشورا و فداکاری‌های سیدالشهدا علیه السلام و اصحاب بزرگوارش در راه اسلام و دفاع از دین و مسئولیت‌های مهمی که در برابر دین، قرآن و حضرت بقیه‌الله، امام عصر علیه السلام داریم آشنا شویم و خود را برای پیروی از اهداف کربلا و مقاصد آن امام شهیدا آماده سازیم. می‌دانیم که حسین علیه السلام با نادانی‌ها، گمراهی‌ها، ستم‌ها و با استضعاف و استعلا مبارزه می‌کرد. او با مقصد یزید و با هدف ابن‌زیاد و افکار خبیث اموی و یزیدی مخالف بود.

شیعه و دوستدار امام حسین علیه السلام باید این خط حسینی را همیشه احیا نموده و سرمشق عمل خود قرار دهد. این محرّم و صفرها و این عزاداری‌هاست که اسلام را نگاه می‌دارد.



## پیام سیدالشهداء علیه السلام به جوامع انسانی

شعار:

«لِيرَعَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحِقًّا فَإِنِّي لَا أَرَى  
الْمُوتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا»<sup>۱</sup>.

از برکت خون حسین علیه السلام تا ابد زنده است و ستمکاران و بی‌دینان و بدخواهان بندگان خدا را محکوم می‌نماید.

فریاد آن حضرت که در آسمان و زمین پیچید و همه را به حفظ شرف و مجد انسانیت خواند، اکنون هم بلند است و رساتر و کوبنده‌تر به گوش می‌رسد که فرمود:

«أَلَا وَإِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَّةِ  
وَالذَّلَّةِ وَهَيْهَاتَ مِمَّا الذَّلَّةُ يَا بِي اللَّهُ ذَلِكَ لَنَا وَرَسُولُهُ  
وَالْمُؤْمِنُونَ وَحُجُورٌ طَابَتْ وَطَهَّرَتْ وَأَنْوَفٌ حَمِيَّةٌ وَنُفُوسٌ  
أَبِيَّةٌ مِنْ أَنْ تُؤَثِّرَ طَاعَةَ اللَّئَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ»<sup>۲</sup>؛

---

۱. طبرانی، المعجم الكبير، ج ۳، ص ۱۱۴؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۴۵؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۶۸؛ طبری، دلائل العقبی، ص ۱۵۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱. «مؤمن را بایسته است که خواهان دیدار خدا باشد براستی من مرگ (شهادت) را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز ننگ نمی‌بینم».

۲. ابن طاووس، اللهوف، ص ۵۹. «آگاه باشید که این فرومایه (ابن‌زیاد) و فرزند فرومایه، مرا در سر دو راهی شمشیر (شهادت) و ذلت (زندگی) قرار داده است و هیهات! که ما به زیر بار ذلت برویم؛ زیرا خدا و رسولش و مؤمنان از اینکه ما پذیرای ذلت باشیم، ابا دارند و دامن پاک مادران ما و مغزهای شخصیت باغیرت و نفوس باشرافت پدران ما اجازه نمی‌دهند که اطاعت افراد لئیم و پست را بر کشته‌شدن مردان بافضیلت، مقدم بداریم».

الله اکبر! این کلمات چقدر بلند و شورانگیز است! چقدر نفس انسانی باید شجاعت داشته باشد و تا چه حد باید پایبند به عزت، کرامت نفس، صبر و استقامت، رشد عقلانی و درک ملکوتی باشد تا بتواند در آن موقف که همه عزیزانش در معرض مهلکه قطعی هستند و شریف‌ترین و عقیف‌ترین بانوان او در خطر اسارت می‌باشند، چنین اعلام وجود و اظهار شخصیت و توانایی نفس و قدرت روح نماید.

سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا لَيْتَنَا  
كُنَّا مَعَكَ فَتَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا.<sup>۱</sup>

### حیات دین، مرهون شهادت حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ

ای حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ! اسلام از تو زنده شد و قرآن از تو محفوظ ماند. تو ارزش و بهای انسانیت را نشان دادی و کریمه ﴿إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾<sup>۲</sup> را تفسیر کردی.

ای حسین! اسلام غیر از تو ناصر و یاور و نجات‌بخشی نداشت؛ تو را صدا می‌کرد و به تو شکایت می‌نمود و این تو بودی که به یاری اسلام شتافتی و گمراهی‌ها را برطرف کردی.

لَقَدْ بَدَّلْتَ مُهْجَتَكَ فِي اللَّهِ وَاسْتَنْقَذْتَ عِبَادَ اللَّهِ مِنَ  
الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ.<sup>۳</sup>

۱. یا ابا عبدالله سلام خداوند بر تو باد، پدر و مادرم فدای تو، ای کاش با تو بودیم؛ پس به رستگاری بزرگ نائل می‌شدیم.

۲. بقره، ۳۰. «من به آنچه شما علم ندارید آگاهم!».

۳. به تحقیق خون و جان خویش را در راه خدا بذل نمودی و بندگان خدا از جهالت و حیرت گمراهی نجات دادی.

در آن اوضاع و احوالی که بنی‌امیه بر کشورهای اسلامی مسلط شده بود، تمام وسایل تبلیغی را برای منحرف کردن مردم از توحید و اسلام و از اهل بیت علیهم‌السلام و برای تجدید عهد جاهلیت به کار گرفته بود. سکوت مرگبار و تسلیم در برابر آن وضع ناهنجار و آن همه استکبار و تجاهر به معاصی و گناهان، که نمونه آن، همان یزید الخمرور و یزید الفهود و یزید الفسق و الفجور بود، همه‌جا را فرا گرفته بود و تنها صدای حسین علیه‌السلام، که صدای اسلام و صدای قرآن بود، عالم اسلام را بیدار کرد و صدای دلنواز شوق و اشتیاق او به شهادت در راه خدا، احیاگر اسلام شد.

### هشدار حسین علیه‌السلام

گویی حسین علیه‌السلام نیز مانند جدش صلی توحید سر داده و مثل این آیه را، که تبلیغات بنی‌امیه آن را از یاد مردم برده بود، بر آنها تلاوت می‌کرد:

﴿قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ  
وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا  
وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ  
إِلَيْكُمْ مِنْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا  
حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾<sup>۱</sup>

۱. توبه، ۲۴. «بگو: اگر پدران، فرزندان، برادران، همسران و طایفه شما و اموالی که به دست آورده‌اید و تجارتی که از کساد شدنش هراس دارید و خانه‌هایی که بدان علاقه‌مندید، در نظرتان از خداوند، پیامبرش و جهاد در راه خدا محبوب‌تر است، در انتظار باشید که خداوند عذاب خویش را در میان شما آورد! و خداوند جمعیت نافرمان را هدایت نمی‌کند».

دوستی دنیا، دوستی پدران، فرزندان، برادران، همسران و خویشاوندان، اموال، تجارت و خانه و کاشانه، مردم را به سکوت و ترک امر به معروف و نهی از منکر و همکاری با سران کفر و جاهلیت کشانده بود. این امام علیه السلام بود که معنا و مضمون این آیه را دوباره به مردم تفهیم کرد و خود عملاً آن را با همّت بلند و تصمیم الهی خلل ناپذیرش به کار بست.

آن روز، امروز، فردا و فرداها و در هر زمان و مکانی این خطر وجود دارد و هشدار قرآنی این است که اگر آنچه را که از کسان، وابستگان، مقام، ثروت و وسایل رفاهی دارید، از خدا، پیغمبر و جهاد در راه خدا بیشتر دوست می‌دارید، منتظر عذاب باشید.

مال و مقام و همه نعمت‌های دنیا بسیار عزیز هستند اما دین، اسلامیت، ولایت اهل بیت علیهم السلام و احکام خدا از همه عزیزتر می‌باشند.

### شعار حسین علیه السلام

راه حسین علیه السلام، راه قرآن، راه عمل به احکام و راه افتخار به اسلام، توحید و ایمان به خداست، راه شرق و غرب و یمن و یسار نیست؛ راه افتخار به دوران‌های کفر و بت‌پرستی یا آتش‌پرستی و شرک یزدان و اهرمن و استکبار فرعون و نمرود و جمشید نیست.

راه حسین علیه السلام، راه ترویج فساد و نوازندگی، معاصی و ملامتی و فخر به این مسائل بیهوده نیست.

راه حسین علیه السلام، راه تجمل پرستی، اسراف، علو، گردنکشی و استحقار مردم نیست.

شعار حسین علیه السلام و ابلاغش، ابلاغ قرآنی و مساوات میان زن و مرد در ارزش‌های حقیقی است:

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ  
وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ  
وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ  
وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ  
وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ  
وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ  
اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً  
وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾<sup>۱</sup>

در جامعه‌ای که از حسین علیه السلام پیروی می‌شود، این امور ارزش و افتخار است و زنان با مردان در این ارزش‌ها باید هم‌تراز و بلکه رقابت داشته باشند و مختلط‌شدن آنها با بیگانگان در مجالس و محافل، در دانشگاه و مدارس، در محل کار و مدیریت‌ها و مشاغل

---

۱. احزاب، ۳۵. «به یقین مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان باایمان، و مردان و زنان فرمان‌بر، و مردان و زنان راستگو، و مردان و زنان شکیبیا، و مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان انفاق‌گر، و مردان و زنان روزه‌دار، و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که بسیار به یاد خدا هستند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است».

که در ارتباط مستمر با بیگانگان است، با شأن و پارسایی و تربیت اسلامی زن مسلمان سازگار نیست و غربزدگی، حاکی از ضعف هویت و شخصیت است.

### فرصت تبلیغ و وظیفه روحانیت

در این ماه محرم و صفر، آقایان فضلا، علما، اساتید و خطبا در سخنرانی‌ها، مواعظ و منبرهایی که دارند باید توجه مردم را به این مطالب حیاتی جلب نمایند. یکی از برکات بزرگ حوزه مقدسه قم از آغاز تأسیس، همین بوده است که طلاب در فرصت‌های تبلیغی؛ مانند محرم، صفر و ماه مبارک رمضان برای تبلیغ دین به شهرها، روستاها و قصبات بروند و با مردم و مؤمنین ارتباط نزدیک برقرار نمایند و رشته ایمان و آگاهی همگان را به وظایف اسلامی و تعالیم دینی استحکام بخشند. در دوره طاغوت و اختناق رضاخانی این حرکت فداکارانه حوزه که با تحمل مشکلات و دشواری‌های سخت، توأم بود، دین، ایمان و اسلامیت این مردم خوب و عزیز را بیمه کرد. هرچه رژیم و نظام طاغوتی با زور و سرنیزه و تبلیغات، مردم را از دین، اسلام و تعهد به احکام باز می‌داشت - تا آنجا که رسوم آتش‌پرستی را در مدارس پایه‌گذاری کرده، پایکوبی و ستایش آتش را ترویج نمود و تعلیم ملامی را اجباری کرد و صدها نیرنگ دیگر به کار برد - همه از برکت این ماه محرم و این

منبر حسینی و این محبت و علاقه جامع به حسین علیه السلام، نقش برآب شد و عاقبت هم همین برنامه‌های تبلیغی ریشه آن فساد را از بیخ و بن برکند و رژیم را که می‌خواست به جای ملیت و تاریخ اسلامی تاریخ به اصطلاح خودش، تاریخ کوروش و آزادی صهیونیسم و ملیت آن‌چنانی را بر این ملت مقاوم و مسلمان تحمیل کند، سرنگون ساخت.

### ارزش‌های حسینی و وظیفه ما

انتظار از همه طبقات، از مسئولین و مقامات نظام، متصدیان امر آموزش و فرهنگ، رسانه‌های گروهی و همه اقشار مردم و طبقات عزیز این است که همه با هم در حفظ این ارزش‌ها، که رمز موجودیت، استقلال، عظمت، اعتلا و آبروی این کشور است همکاری نمایند و نگذارند که اشخاص مشکوک در ارکان اتحاد این مردم و تعهد آنها به خط قرآن و اسلام رخنه نمایند و با عناوین مختلف، راه نفوذ بیگانگان و به خصوص سلطه فرهنگی آنها را باز نمایند.

و همه در راه حسین علیه السلام، که راه حیات و راه عزت و آزادگی حقیقی است همگام و همراه شده و هرچه بیشتر برای عظمت اسلام و مسلمین سعی و کوشش نماییم و این مدرسه عمومی و همگانی حسینی را - که کلاس‌هایش در همه جا و هر مکان برقرار است و عالم

و جاهل، شهری و روستایی و زن و مرد را در برمی‌گیرد — بهتر و فراگیرتر و جامع‌تر از گذشته برگزار کنیم.

وَالسَّلَامُ عَلٰی مَوْلَانَا اَبِي عَبْدِ اللّٰهِ وَعَلٰی الْاَرْوَاحِ  
الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِهِ وَعَلٰی شِيعَتِهِ وَمُحِبِّهِ وَمَنْ اَبْكٰى اَوْ  
بَكَى اَوْ تَبَاكَى فِي مَصَائِبِهِ وَرَحْمَةِ اللّٰهِ وَبَرَكَاتِهِ.<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به مناسبت سالگشت حادثه عظیم عاشورا، محرّم الحرام ۱۴۲۰ هـ. ق.





## عبرت‌های عاشورا

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةٌ

لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾!

السَّلَامُ عَلَى مَوْلَانَا سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ مُتَّقِدِ الْأُمَّةِ مِنْ

الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَعَلَى أَوْلَادِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَصْحَابِهِ وَأَنْصَارِهِ.

نُمَّ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

### جامعه و عاشورا

با تشکر و تقدیر شایان از عزیزان فرزانه و عاشقان حسینی، برگزارکنندگان محترم همایش کشوری عبرت‌های عاشورا، حُسن انتخاب عنوان این همایش را به ایشان تبریک می‌گویم. همان‌گونه که از این عنوان استفاده می‌شود، یکی از شعب مهم و متعددی که محققان در واقعه بی‌نظیر و تاریخی عاشورا باید به تفصیل

---

۱. یوسف، ۱۱۱. «در سرگذشت آنان درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود».

در آن بحث و بررسی نمایند عبرت‌های بسیاری است که از عاشورا برداشت می‌شود و پیام‌های حوادث و وقایع آن است که دانستن آنها برای همگان از هر طبقه سودمند، معرفت‌بخش و آموزنده است. تأمل در وقایع عاشورا هرچه ژرف‌تر و گسترده‌تر گردد، ثمرات فکری، تربیتی و ایمانی آن بیشتر خواهد بود.

جامعه به چیزی مانند این عبرت‌ها، پیام‌ها و درس‌های عاشورا نیازمند است؛ این پیام‌ها و عبرت‌ها باید به همگان ابلاغ شود؛ در منابر، سخنرانی‌ها، مقالات و تألیفات و در ضمن اشعار و مرثی‌ها باید تکرار گردد؛ باید عاشورا را با این معانی عالی و با این عبرت‌ها تبلیغ نمود، تا همگان به‌خصوص نسل آگاه جوان، درس‌های آن را برنامه عمل و حرکت خود قرار دهند. **وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ**.

## درس‌های عاشورا

امتناع امام علیه السلام از بیعت با یزید و سخنان آن حضرت در جواب ولید، حاکم مدینه و مروان و هجرت آن یگانه تاریخ از مدینه به مکه عبرت‌انگیز و پر از معانی و هدایت‌های عالی است. توقف آن حضرت در مکه معظمه نیز متضمن پیام‌هایی است که همه موضع شکست‌ناپذیر و غیرقابل برگشت آن حضرت را اعلام می‌کرد. خروج امام از مکه در زمانی که مردم از اطراف، بلاد و شهرها برای حج آمده بودند و آن خطبه تاریخی و پر از ابلاغ و ارشاد و انداز، عبرت‌انگیز، آموزنده و سازنده بود. اعزام شخصیتی مانند مسلم بن عقیل و پذیرفتن

دعوت مردم کوفه و حوادثی که در کوفه اتفاق افتاد و به شهادت حضرت مسلم منتهی گردید و اتفاقاتی که بین راه مکه تا کربلا و روبه‌رو شدن با حرّ واقع شد و آن خطبه رسا، متضمّن آن جمله‌های پر از پیام و احیاگر روح غیرت و شهامت که هر صاحب بصیرت را تکان می‌دهد، هشیار و بیدارباشی است که تا این زمان و زمان‌های بعد، عالم انسانیت را بیدار و آگاه می‌سازد و این جمله مقاومت‌آموز آن:

«إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا»<sup>۱</sup>

همواره باید ورد زبان مردم آزادی‌خواه و ستم‌ستیز باشد. اقتدای حرّ به امام علیه السلام در نماز، عاقبت خیر و فرجام کار او درس عبرت است. ملاقات امام علیه السلام با عبیدالله حرّ جعفری و خودداری او از قبول دعوت امام علیه السلام و گرایش و انقلاب فکری زهیر در یک ملاقات کوتاه با امام علیه السلام نیز عبرت و راهنمای مردم بر گزینش آخرت بر دنیا، و شهادت و حیات جاودانی بر حیات فانی است.

## باوفاترین اصحاب

ورود امام علیه السلام به کربلا همراه با اهل بیت، آن شخصیت‌هایی که برای خدا، خلقی و بنده‌ای عزیزتر از آنها در روی زمین نبود، ملحق شدن افرادی معدود از نخبگان و فرهیختگان عالم اسلام به آن حضرت،

---

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۴۵؛ طبری، ذخائرالعقبی، ص ۱۵۰. «به‌راستی من مرگ (شهادت) را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز ننگ و ملال نمی‌بینم».

مواضع اصحاب تا روز عاشورا، نیل به شهادت، شور و شوق و استقامت و پایداری آنها که اگر جانشان هزار جان بود و جان‌نثاری در راه دین و نصرت امام عَلَيْهِ السَّلَام هزار بار بیشتر ممکن بود شیفته و مشتاق آن بودند، همه برای عالم انسانیت، عبرت، درس و دستور زندگی شرافتمندانه و خدایسندانه است. مواقف بی‌مانند و حسّاس و استقبال آنان از تیغ، تیر، شمشیر، مرگ و شهادت، موقف حبیب، موقف عابس، موقف مسلم بن عوسجه، مواقف آن رجال بی‌نظیر که خود امام عَلَيْهِ السَّلَام در وصف آنها فرمود: «من اصحابی با وفاتر و نیکوکارتر از اصحاب خود نمی‌شناسم»، «موقف بنی‌هاشم، موقف و بلکه مواقف حضرت ابی‌الفضل، موقف حضرت علی‌اکبر و موقف قاسم هر کدام موافقی است که تاریخ بشریت به آن افتخار می‌نماید و آیه کریمه:

﴿إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾<sup>۲</sup>

را تفسیر می‌کند. در این میان، مواقف بانوان هم بزرگ و عظیم بود؛ همه کوه استقامت و صبر و تحمل، ذلت‌ناپذیر، پابرجا، امیدوار بر غلبه حق و موقیّت خود و مغلوبیّت حقیقی دشمن بودند.

## عبرت از سپاه سیاه

آن سی هزار یا بیشتر لشکر خون‌آشام، اگرچه همه اصحاب را به

۱. «أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي». مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۹۱؛

ابن‌نماحلی، مثیر الاحزان، ص ۳۸؛ طبرسی، اعلام‌الوری، ج ۱، ص ۴۵۵؛ ابن‌اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۵۷.

۲. بقره، ۳۰. «من به آنچه شما علم ندارید آگاهم!».

شهادت رساندند اما از رخنه در قدرت روحی آنها ناتوان ماندند. این مواضع برای بشر، عبرت است باید در طول قرون و اعصار بگویند و بنویسند، در مدرسه‌ها و مکتب‌ها این ایستگاه‌های درخشان را بیاموزند و درس بدهند تا بشر، خود و گوهر پاکش را بشناسد و خود را به جیفه دنیا نفروشد و معنای این کلام بزرگ علوی را درک کند:

«أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَّاطَةَ لِأَهْلِهَا إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ  
ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةَ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا»<sup>۱</sup>.

## آفتاب نینوا

اما زبان و قلم از بیان عظمت موقف شخص الهی امام عَلَيْهِ السَّلَامُ و آن قهرمان بزرگ فضایل ملکوتی، خصایص قدوسی و مقامات سبوحی، عاجز و ناتوان است و مثل توصیف ذره و کمتر از آن از آفتاب جهان‌تاب، و سراب از اقیانوس‌های آب است. نواحی عظمت و موجبات بصیرت و عبرت در وجود امام عَلَيْهِ السَّلَامُ، کار، قیام، مواضع و مواقف عالی و متعالی آن حضرت، بسیار و بی‌شمار است. اتصال قدرت امام عَلَيْهِ السَّلَامُ به قدرت لایزال الهی در آن موضع‌گیری‌های محیرالعقول مشهود است و حقیقت معنای «صَانِعٌ وَجْهًا وَاحِدًا يَكْفِيكَ الْوُجُوهُ» از آن ظاهر و معلوم است.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶ (ج ۴، ص ۱۰۵)؛ لیثی واسطی، عیون‌الحکم و المواعظ، ص ۱۰۸؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۳۲-۱۳۳. «آیا آزاده‌ای نیست که این دنیا را که در کم‌ارزشی همچون ته‌مانده طعامی است، به اهلش و آگذارد؟ به‌راستی که جز بهشت هیچ قیمتی برای جانتان نیست؛ پس آن را جز به بهشت معامله نکنید».

در این سیر الی الله، اوج علو قدر انسان خلیفه الله که از ملائکه، ارفع و انبل است آشکار می گردد. حقیقت آن سیر و حرکت، سیر به سوی کمال بی نهایت و تقرّب بیشتر و بیشتر از کسی بود که حائز عالی ترین رتبه کمال و تقرّب به اوست.

تمام آنچه افتخار انسانیت است؛ مانند ایمان، اخلاص، صبر، ایثار، پاسداری از شرف، عزّت، حمیت، حقوق ضعفا، نفی استبداد، ظلم، استکبار و استحقار عبادالله در این برنامه الهی درخشان است.

### امام عَلَيْهِ السَّلَام و بیداری انسان

امام عَلَيْهِ السَّلَام برای حفظ دین خدا و نجات امت، مصائب جانکاهی را از داغ جوانان و برادران، اسارت بانوان و شهادت اصحاب، پذیرا شد و میان آخرت، دنیا، خدا، خلق، عزّت و ذلّت و در نهایت میان بهشت و دوزخ و بین شهادت خود و همه بستگان عزیز اسارت اهل بیت و بیعت و تسلیم، منحیر شد و با آن تصمیم قاطع و عزم راسخ و غیر قابل بازگشت، خدا، قرآن، اسلام و حمایت از حقوق جامعه و شهادت خود و همه آن مصیباتی را که هرکدامش برای اینکه تهمتن ترین افراد را به تسلیم وادار کند، اختیار فرمود و صدای بلند و رسای او:

«أَلَا إِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ  
السَّلَةِ وَالذَّلَّةِ وَهَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ يَا بِيَّ اللَّهُ لَنَا ذَلِكَ  
وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَحُجُورٌ طَابَتْ وَطَهَّرَتْ

وَأَنْوَفٌ حَمِيَّةٌ وَنُفُوسٌ أَيْبَةٌ مِنْ أَنْ تُؤْتَرَ طَاعَةَ  
اللَّئَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ<sup>۱</sup>.

عالم به خواب خفته اسلام را بیدار کرد.

## قهرمانان عرصه بلا

درس‌های بزرگ و حیات‌بخشی که طی ظهور این استقامت و مقاومت به مردم داده شد هریک بی نظیر بود؛ در ارتباط با اصحاب و انصار و شهادت یکایک آنها، شهادت جوانان بنی‌هاشم و جوان عالی‌قدری مانند علی‌اکبر با آن اوصاف و شمایل پیغمبری و برادری چون ابوالفضل العباس و شهادت کودکان و اطفال در هنگام وداع با اهل بیت علیهم‌السلام و هنگامه‌های جانگداز دیگر، مناظر و مشاهدی بودند که همه نشان آن بود که قهرمان این صحنه از قدرت و قوتی برخوردار است که هیچ نیرو و قوه مادی و هیچ مصیبت، فشار، قساوت و جنایتی - هرچند دلخراش و غیر قابل تحمل باشد - بر او غالب نمی‌شود و او را از هدف مقدسی که دارد باز نمی‌دارد. اینها همه عبرت است و برای بشریت درس حیات، شرف، ایمان و استقامت.

---

۱. ابن طاووس، اللهوف، ص ۵۹. «آگاه باشید که این فرومایه (ابن‌زیاد) و فرزند فرومایه، مرا در بین دو راهی شمشیر (شهادت) و ذلت (زندگی) قرار داده است و هیئات! که ما به زیر بار ذلت برویم؛ زیرا خدا و رسولش و مومنان از اینکه ما پذیرای ذلت باشیم، ابا دارد و دامن‌های پاک مادران ما و مغزهای باغیرت و نفوس باشرافت پدران ما اجازه نمی‌دهند که اطاعت افراد لئیم و پست را بر کشته‌شدن مردان بافضیلت، مقدم بداریم.»

## پیام آوران عاشورا

وقایع بعد از شهادت و اسارت اهل بیت علیهم السلام و حضور آنان در مجلس *ابن زیاد* و *یزید* و فرصت‌های دیگر، عبرت‌انگیز، سرمشق، آموزنده و سازنده است. آن پاسخ‌های شجاعانه و پرمعنای حضرت زینب علیها السلام به *ابن زیاد* و خطبه تاریخی آن حضرت در مجلس *یزید* که از معجزات بزرگ به شمار می‌رود برای همیشه عبرت است؛ حقایقی که در این خطبه در چنان مجلسی بیان فرمود و تویخ و تحقیر قدرتمندان *یزید*، نیروبخش مظلومان در برابر ستمگران است. خطبه حضرت سجاد علیه السلام و در نهایت پیامدهای واقعه جانسوز عاشورا مانند «واقعه توابین» و استمرار یاد این افتخارات که تا عصر ما و اعصار آینده به صورت مجالس روضه و هیئت‌های عزا ادامه می‌یابد برای بشریت عبرت است و دلیل قدرت حق و سستی باطل می‌باشد.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ

الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ﴾<sup>۱</sup>

﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾<sup>۲</sup>

۱. لقمان، ۳۰. «اینها هم دلیل بر حقانیت خداوند است، و آنچه را غیر از او می‌خوانند باطل می‌باشد و خداوند، بلند مقام و بزرگ مرتبه است.»

۲. یوسف، ۱۱۱. «در سرگذشت آنان درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود.»



وَآخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سَلَامٌ  
اللَّهِ وَصَلَوَاتُهُ عَلَى مَوْلَانَا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ  
سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ وَأَبِي الْأَحْرَارِ الَّذِي بَدَلَ مُهَجَّتَهُ فِي  
اللَّهِ حَتَّى اسْتَنْقَذَ عِيَادَهُ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ  
وَسَلَامُهُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَوْلَادِهِ وَأَصْحَابِهِ.<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به همایش عبرت‌های عاشورای حسینی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، ذی‌الحجه  
۱۴۲۳ هـ. ق.



## از عاشورا تا ظهور

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا»<sup>۱</sup>

### ابعاد یک حادثه عظیم

واقعه جانسوز عاشورا و شهادت حضرت سیدالشهداء علیه السلام حادثه‌ای عظیم، یگانه و منحصر به فرد است که نظیر آن در تاریخ، نه قبل از آن واقع شده و نه بعد از آن اتفاق خواهد افتاد.

ابعاد و جوانب بسیار آن به حدی است که ورود در هر کدام موجب آگاهی از جوانب جدید و بیشتر می‌گردد؛ در حوادث گذشته و آینده نقش و اثر داشته و دارد و حتی می‌توان حوادث قبل از آن را هم با نگاه به این واقعه بررسی و مطالعه کرد.

البته این حادثه از لحاظ اسرار و نکات مخفی، آن قدر عظیم است که

---

۱. اسراء، ۳۳. «آن کس که مظلوم کشته شد، برای ولی او مسلط (و حق قصاص) قرار دادیم».

آنچه از آن ظاهر است با آنکه در اوج عظمت قرار دارد، در برابر آنچه از آن پنهان است قابل قیاس نیست، و چنان تکان بزرگی به عالم داد که هیچ‌گاه آرام نخواهد گرفت و مانند جرم آسمانی بزرگی است که در اقیانوس بیکران هستی بیفتد و موجی مناسب آن به وجود آید که همواره در طول قرون و اعصار با شفافیت بیشتر در گسترش می‌باشد.

## جلوه‌های عاشورایی

عاشورا در همهٔ حوادث، به خصوص وقایع عالم اسلام، نقش دارد. وقایعی که بیان تفصیل و تحلیلات تاریخی آنها به بررسی‌های عمیق و وسیع، نیاز دارد؛ وقایعی که از اعتراض آن زن از بکر بن وائل، ثورهٔ توابین، شهادت سلیمان بن سرد و چهار هزار نفر از قیام‌کنندگان با او، قیام مختار و حتی آغاز دورهٔ تسلط عبدالله بن زبیر شروع شد و تا به امروز و در عصر ما، انقلاب اسلامی و سقوط حکومت ضد عاشورایی رضاخان و پسرش ادامه پیدا کرد، و سرانجام خدا می‌داند که تا کی و در چه زمان و عهد قریب یا بعید و پس از چه وقایع تاریخی دیگر، به قیام جهانی و ظهور حضرت مهدی موعود عجل الله فرجه منتهی خواهد شد.

## تأثیر عاشورا بر مواضع ائمه علیهم السلام

ظهور شخصیتی مانند حضرت امام زین‌العابدین علیه السلام، با آن سیره و جلوه، قلوب دوست و دشمن را مسخر ساخت و مانند عمر بن عبدالعزیز - که آن حضرت را سراج دنیا و جمال آخرت می‌خواند -

اگرچه جلوه ملکوتی آن امام، خودبه‌خود و در نهایت تمامیت و کمال، جهان را نورانی می‌کرد واقعه عاشورا و نور جهان‌تاب حسینی نیز بر زینت و نورانیت آن افزود و درخشندگی آن را مضاعف‌تر کرد.

عاشورا همچنین در مواضع حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام اثر گذاشت و باینکه خود آن مواضع، پر از روح و حیات بود، در روح و حیات مواضع آنها نیز تجلی داشت؛ بر عزت، محبوبیت و تأثیر بیشتر مظلومیت حضرت موسی علیه السلام و موقف جهان‌تاب حضرت عالم آل محمد علیه السلام افزود و به‌طور کلی همه مقامات و ظهور درجات ائمه طاهرین علیهم السلام از آن استقامت پر معنای حسینی علیه السلام، آن همه صبر و تصمیم متعالی، جلوه و جذباتی خاص یافتند و در عین حالی که همه در کمال تمامیت بودند، اما همگی به هم پیوسته و به شکل بزرگ‌ترین واحد نورانی کثیرالانباء و کثیرالمفاخر و المآثر متجلی شدند و هنوز هم در تجلی هستند.

### رابطه عاشورا با حکومت مهدوی

در مورد رابطه انتظار، ظهور، غلبه مطلق حق بر باطل، نصرت اسلام، حکومت واحد اهل‌بیت علیهم السلام در آخر الزمان و قیام آن یگانه جهان و نادره دوران و نابغه اعصار و ازمان، با عاشورا و آن نهضت الهی و بروز آن قدرت معنوی و حقیقی نیز علاوه بر نکته‌های گفته شده، درس‌ها، فلسفه‌ها و اسرار ناگفته بسیار است.

می‌توان گفت یک هدف از برقراری حکومت جهانی حقه به دست یداللهی حضرت مهدی علیه السلام، تدارک و جبران ظلم و ستم‌های وارد بر اهل بیت علیهم السلام، مصائب جانکاه، تحقق وعده‌های الهی و بلکه عکس‌العمل تحمّل آن مصائب در راه دین و دفاع از اسلام می‌باشد که برحسب آیات و روایات است؛ اگرچه در این دنیا و عالم کوچک، تدارک پاداش و ثواب عاشورای حسین علیه السلام فراهم نیست اما در جهان وسیع و پهناور آخرت به‌گونه‌ای که مقتضای صفات جمال و کمال الهی است، برنامه وافی و کافی آن اجرا خواهد شد و جایگاه رفیع و بلند روز عاشورا در بُعد و معنا و جلوه خودش که جز در آن عالم، ظهور و نمایش نمی‌پذیرد، آشکار خواهد گردید.

متأسفانه قلم و بیان ما از توصیف آن مطالب، اعزاز و اکرامی که خدا از حسین علیه السلام می‌نماید و همچنین بیان روابط عاشورا با قیام حضرت بقیة الله علیه السلام عاجز و ناتوان است و هر مقدار که هرکس بگوید، از حدّ درک خود و درکی که از این معانی در این جهان ممکن است، بیشتر نخواهد بود. برای آشنایی با مقام جلال و جمال و تقرّب حضرت سیدالشهدا علیه السلام به حضرت ذوالجلال والاکرام و تماشای جلوه نورانی حسین علیه السلام در روز عاشورا، که هرچه مصیبات آن حضرت افزون‌تر می‌گردید بر جمال جسمانی‌اش نیز افزوده می‌شد، باید منتظر آن روز و جهان آینده باشیم. اگرچه از درک حقیقت ربط روز حسین و روز مهدی علیه السلام در افق بلند و متعالی آن عاجزیم؛ لیکن از بعضی جمله‌های

احادیث و زیارات و ادعیه، نکاتی استنباط می‌شود که آموزنده و در سطحی بسیار عالی آن را معرفی می‌نماید. حتی استمرار ولایت و امامت که منتهی به امامت حضرت مهدی علیه السلام می‌شود مرتبط به شهادت سیدالشهداء علیه السلام معرفی می‌گردد و این یک معنا و سرّی است که علاوه بر آنکه از بُعد معنوی دارای اهمیت خاص است از ابعاد دیگر مثل جامعه‌شناسی نیز موجّه و مثبت است.

### از عاشورا تا رجعت

ارتباط دیگر عاشورا با آخرالزمان و ظهور حضرت صاحب‌الامر علیه السلام مسئله رجعت است که برحسب آن، دشمنان اهل بیت علیهم السلام مخصوصاً قاتلان سیدالشهداء علیه السلام و کُشندگان اصحاب بزرگوار آن حضرت و ستمکاران و کسانی که به اهل بیت علیهم السلام ظلم کرده‌اند و همچنین شخص آن حضرت، با اصحاب و انصار عالی مقام و کسانی که خدا می‌خواهد، به دنیا رجوع می‌نمایند، و قاتلان سیدالشهداء علیهم السلام و ظالمان دیگر، عواقب سوء دنیوی اعمال خود را می‌بینند. در این ظهور، عنایات الهیه بر اهل ایمان و شیعیان ظاهر می‌شود و برکات زمین و آسمان آشکار می‌گردد. از بینش دیگر می‌توان تأویل کامل آیاتی چون: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا﴾<sup>۱</sup> را همان رجعت علوی و حسینی دانست و کلام معجز نظام امیرالمؤمنین علیه السلام را که فرمود:

۱. قصص، ۵. «و ما اراده کردیم که به مستضعفان زمین منت گذاریم».

تَعَطَّفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الصَّرْوَسِ  
عَلَى وَلَدِهَا. وَتَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ  
عَلَى الَّذِينَ...﴾؛<sup>۱</sup>

به همان معنای ظاهر آن دلیل دانست و از آنجا که این عطف دنیا نسبت به شخص آن بزرگواران، محقق می‌گردد، معانی آیه: ﴿وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ﴾<sup>۲</sup> و آیات دیگر و خروج دابة الارض<sup>۳</sup> - که به امیرالمؤمنین علیه السلام تفسیر شده<sup>۴</sup> - عینیت می‌یابد.

انتظار فرج، انتظار تحقق همه این وعده‌های قرآنی و وحیانی است. هم انتقام از اعداء الله و اعدای آل محمد علیهم السلام گرفته می‌شود؛ و هم از بازماندگان فکری و اعتقادی آنها، که در عصر ظهور وجود دارند؛ همان‌ها که به یزید و معاویه و دیگران از اعدای اهل بیت علیهم السلام افتخار می‌کنند و در مثل زمان ما کتاب *حقاتق عن امیرالمؤمنین یزید بن معاویه* می‌نویسند و کتاب *العواصم من التواصم* ابن عربی را نشر می‌دهند و بر آن شرح و تعلیق می‌نویسند.

---

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹ (ج ۴، ص ۴۷)؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۴، ۱۶۷. «دنیا پس از سرکشی به ما روی می‌کند همانند ماده شتری بدخو که به بچه‌اش مهربان گردد؛ و پس از آن، آیه را خواند».

۲. نور، ۵۵.

۳. نمل، ۸۲.

۴. قمی، تفسیر، ج ۲، ص ۱۳۰؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۷۴؛ بحرانی، البرهان، ج ۴، ص ۲۲۸.

آخر الزمان عنوان و اصطلاح وسیعی است که ما در انتظار آن هستیم و برنامه‌های گسترده‌ای که در آن زمان، اجرا خواهد شد، همه در مسیر جهانی شدن حق و پیروزی مطلق آن بر باطل و قلع و قمع اعداء الله و اعداء الرسول و اهل بیته و التواصب می‌باشد، البته ظهور حضرت مهدی علیه السلام و حکومت عدل جهانی آن حضرت به مثابه هسته مرکزی آن وقایع است و همه ما در زیارت عاشورا آن ظهور و حضور را از خدا مسئلت می‌نماییم.

### ظهور، استمرار عاشورا

به تعبیری می‌توان گفت که ظهور و رجعت، همه مکمل بعثت و واقعه ولایی - تاریخی غدیر و برنامه‌ای است که سیدالشهداء علیه السلام اجرا فرمود. از بعضی روایات و القاب آن حضرت و از پیوستگی این معانی و ربط این برنامه‌ها با سیره و عمل شخص حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، ائمه طاهرین علیهم السلام و حضرت صدیقه علیها السلام آشکار می‌شود که آنها در عین استقلال، با هم مرتبط بوده و هدف از همه، تحقق اغراض الهی است. «لَا يَعْلَمُ تَفَاصِيلَهَا وَعِظَمَ مَا فِيهَا مِنَ الْأَسْرَارِ إِلَّا اللَّهُ وَالَّذِينَ اخْتَصَّوهُمْ بِهِ».

سخن را در این موضوع کثیرالمطالب و وسیع‌الابعد آنها با روایتی به پایان می‌رسانیم که در آن فضل نصرت سیدالشهداء علیه السلام به نصرت حضرت مهدی علیه السلام تشبیه شده است و از آن استفاده می‌شود که ظهور حضرت مهدی علیه السلام ادامه همان موقف آن امام مظلوم است.



روایت را خود حضرت امام حسین علیه السلام در ضمن خطبه‌ای بر حسب بعضی کتب مقاتل انشا فرموده‌اند. آن حضرت از جدّ بزرگوارشان حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله روایت فرموده است به این لفظ:

«قَالَ عليه السلام وَمَنْ وَاسَانَا بِنَفْسِهِ كَانَ مَعَنَا غَدًا فِي الْجَنَّةِ نَجِيًّا مِنْ غَضَبِ الرَّحْمَانِ وَقَدْ قَالَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَلَدِي الْحُسَيْنُ يُقْتَلُ بِطِفِّ كَرْبَلَا غَرِيًّا وَحِيدًا عَطْشَانًا فَرِيدًا فَمَنْ نَصَرَهُ فَقَدْ نَصَرَنِي وَنَصَرَ وَلَدَهُ الْقَائِمَ»<sup>۱</sup>.

---

۱. سپهر، ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۶۰؛ بهبهانی، الدمعة الساکبه، ج ۴، ص ۲۷۱. «هرکس با نفس خویش با ما یاری کند فردا در بهشت با ماست درحالی که از خشم خدای رحمان رهایی یافته است؛ به تحقیق جدّم - رسول خدا که صلوات خدا بر او و خاندانش باد - فرزندم حسین در کربلا غریبانه و تنها و تشنه به شهادت می‌رسد هرکس او را یاری کند مرا و فرزندش مهدی را یاری نموده است».

۲. پیام به مناسبت حلول محرم الحرام ۱۴۲۸ هـ. ق.



فصل سوم:

رسالت عاشورایی ما





## پاسداری از شعائر حسینی

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾<sup>۱</sup>

### ارزش حفظ شعائر

از بزرگ‌ترین شعائر تشیع و ولای اهل بیت رسالت علیهم‌السلام اقامه مراسم عزاداری و سوگواری برای حضرت سیدالشهدا، ابی عبدالله الحسین - علیه الصلاة والسلام و کحل الله أبصارنا بتراب مقدم زوار حرمه - می‌باشد. این شعائر، شعائرالله، شعائر اسلام، شعائر مجد و عظمت موحدین و خداپرستان و معالم انسانیت است.

تعظیم این شعائر هرچه باشکوه‌تر انجام شود، دل‌ها را بیشتر و بیشتر به خلوص نیت، صبر، استقامت و فداکاری در راه احیای حق و اعلای کلمه اسلام نائل می‌سازد و ظلم، استبداد، شرک و استضعاف را محکوم می‌نماید.

---

۱. حج، ۳۲. «این است (مناسک حج)؛ و هرکس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای الهی است.»

مکتب جهاد و مدرسه عظمت‌های انسانی در این شعائر زنده می‌شود و فریاد حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا»<sup>۱</sup> بدن‌های مستکبران را می‌لرزاند و ارکان استکبار آنان را منهدم می‌سازد.

## درس عزت

شعائری است که در طول تاریخ به انسان‌ها درس می‌دهد که سربلند، عزیز و با افتخار زندگی کنید و به ذلت، پستی و هرچه دون شأن انسانیت است تن در ندهید و همگان، همیشه در هر جا و هر مکان با بزرگ مجاهد آل محمد - صلوات الله عليهم اجمعين - و رهبر آزادمردان جهان، ابوالشهداء و سیدالاحرار فریاد «هَيْهَاتَ مِنَّا الدُّلَّةُ» را سر دهید و به خواری و دون‌همتی گردن ننهید که علی عَلَيْهِ السَّلَامُ، امیرمؤمنان، پدر بزرگوار حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

«أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ لِأَهْلِهَا إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ  
ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةَ فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا»<sup>۲</sup>

اگر می‌خواهید به پیشتانان صحنه شهادت کربلا تاسی کنید خود را به غیر از خدا، ثواب خدا و بهشت خدا نفروشید.

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۴۵؛ طبری، ذخائر العقبی، ص ۱۵۰. «به راستی من مرگ (شهادت) را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز ننگ نمی‌بینم».

۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶ (ج ۴، ص ۱۰۵)؛ لیشی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۰۸؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۷، ص ۱۳۲-۱۳۳. «آیا آزاده‌ای نیست که این دنیا را که در کم‌ارزشی، همچون ته‌مانده طعامی است، به اهلس و اگذاراد؟ به راستی که جز بهشت هیچ ارزشی برای جانتان نیست؛ پس آن را فقط در برابر بهشت معامله کنید».

## بایدهای مراسم حسینی

این شعائر به هر صورت و به هر مظهر و جلوه‌ای اقامه شود، مقدّس است و برگزارکنندگان آن، مورد ستایش و تحسین خواهند بود. با این شعائر می‌توان دعوت اسلام را بیش‌ازپیش جهانی کرد و دنیا را مجذوب حقایق این دین حنیف نمود.

به‌طور یقین حضرت بقیّة‌الله - ارواح العالمین له الفداء - در بعضی از این مراسم شرکت فرموده و با عزاداران حسین علیه‌السلام همکاری کرده‌اند.

بدیهی است این مراسم و شعائر باید تا آنجا که ممکن است از ریا، شوائب، هرگونه عمل نامشروع و حرام، پاک و منزّه باشد و همه جلوه‌های آن، جلوه‌های حمایت از حق، امر به معروف و نهی از منکر و کوبیدن باطل و معصیت باشد.<sup>۱</sup>

---

۱. نگاشته ۱۷ ذی‌القعدة الحرام ۱۴۱۴ هـ. ق، برابر با ۸ اردیبهشت ۱۳۷۳ ش.



## مسئولیت‌های عاشورایی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي  
حَلَّتْ بِفِنَائِكَ أَشْهَدُ أَنَّكَ بَدَلْتَ مُهْجَتِكَ فِي اللَّهِ حَتَّى  
اسْتَنْقَذْتَ عِبَادَهُ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ وَأَخْبَيْتَ  
نِظَامَ الدِّينِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ  
وَأَصْحَابِكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.<sup>۱</sup>

مکتب حیات‌بخش حسینی علیه السلام اگرچه در دوره سال و هر زمان و هر مکان به روی شیفتگان اهل بیت علیهم السلام باز است و در طول سال، برکات آن مورد استفاده است، اما در ماه محرم و صفر و به‌خصوص عاشورا و اربعین به‌طور گسترده و با وسعتی بی‌نظیر گشایش یافته و همه را از پیر و جوان، زن و مرد، شهروندان و روستاییان به‌سوی خود جلب و جذب

---

۱. سلام بر تو ای ابا عبدالله، و سلام بر ارواحی که فانی در تو شدند. به‌درستی که خون خویش را در راه خدا مبذول داشتی تا خواهان آن باشی که بندگان پروردگار از جهالت و سرگردانی در ضلالت نجات یابند و تو نظام دین را احیا کردی. صلوات، رحمت و برکات خداوند بر تو باد و بر اهل‌بیت تو و یاران تو.



می‌نماید و به شکل یک دانشگاه عام خود برخاسته با صدها هزار مجلس درس و تعلیم و تربیت و ده‌ها هزار معلم و مربی تشکیل می‌شود و دانشمندان طراز اول و علمای علوم و فنون و سایر طبقات زیر پوشش آن قرار گرفته و به کسب فیض از آن نائل می‌شوند. سخن‌گفتن پیرامون این مکتب الهی و فواید و منافع آموزشی و پرورشی آن و امکاناتی که برای بهره‌گیری‌های بسیار بزرگ در ساخت سالم‌ترین و بهترین جوامع انسانی در آن وجود دارد به تألیف کتاب‌ها نیاز دارد.

### پیام مکتب حسین علیه‌السلام

مکتب حسین علیه‌السلام مکتب حیات و مکتب کمال و مکتب آگاهی و بصیرت، مکتب عزت، شهادت، اخلاق، معرفت، ایثار، فداکاری، حق، ایمان، توکل و اعتماد به خداوند متعال است. پیام‌های عالی آن، همه انسان‌ساز، پیشتاز، افتخارآفرین، دلربا و دلنشین است. اسرار بزرگی که در آن است عقول عالیه را متحیر نموده و بسیاری از غوامض مطالب انسانی را در عالم آفرینش، تفسیر می‌نماید و عظمت مقام انسان که از همه مخلوقات بالاتر و بهتر است را آشکار می‌گرداند:

﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾<sup>۱</sup>

در اینجا نمی‌خواهیم و نمی‌توانیم که پیرامون این معانی عالی سخنی بگوییم؛ هزارها مقاله و کتاب نوشته و گفته شده و هرچه بگوییم باز هم مجال سخن‌گفتن گشوده است.

۱. یوسف، ۱۱۱. «در سرگذشت آنان درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود».

این شرح بی‌نهایت کز وصف یار گفتند  
حرفی است از هزاران کاندرا عبارت آمد

## حوزه علمی در خدمت مکتب عاشورا

حوزه علمی کهنسال قم، در این دوره جدید که از سال ۱۳۴۰ هجری قمری به همت مرحوم آیت الله العظمی حائری قزوینی<sup>رحمته</sup> بازگشایی شد در کنار برنامه‌های تحصیلی، علمی و تحقیقی و تربیت اساتید بزرگ، علما، آیات، مراجع، مؤلفان، گویندگان، و غاظ و مبلغان لایق، موضوع تبلیغ و نشر معارف دین و آثار و احادیث اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> و آشناکردن جوامع شهری و روستایی و خلاصه همه جامعه را با احکام اسلام نیز نصب‌العین قرار داد و در این راه با استفاده از مکتب حسینی و علاقه باطنی و پاک مردم به ذکر مصائب اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> به‌خصوص واقعه جانسوز کربلا بهره‌ها گرفته و علاوه بر ماه مبارک رمضان و فرصت‌های دیگر در ماه محرم در پرتو بیان مصائب آن حضرت و مقاصد نهضت بی‌نظیر کربلا، این مدرسه الهی هدایت و ارشاد، در طول بیش از هشتاد سال که از عمر بابرکت آن می‌گذرد، خدمات تبلیغی خود را ادامه داده است و در برابر انحرافات، کج‌روی‌ها، کج‌فهمی‌ها، بدعت‌ها و اختناق‌ها و اختناق رضاخانی، ایستادگی‌ها نموده و مواضع و مقاومت این حوزه در ابطال باطل و حفظ عقاید جامعه همواره مؤثر و کارساز بوده است.

اکنون که محرم سال ۱۴۲۳ هجری قمری را استقبال می‌نماییم، به

همان شیوهٔ مرضیه، علما، فضلا، طلاب عزیز، خطبا و مبلغان حوزه برای ایفای نقش و مسئولیت‌های بزرگی که روحانیت در رساندن احکام، هدایت، تبلیغ، احیای شعائر اسلام و معارف مکتب راستین تشیع و ولایت به عهده دارند، عازم بلاد، قراء، قصابات، نقاط دوردست در داخل و خارج ایران می‌باشند؛ از خداوند متعال برای همه توفیق و تسدید و عنایات خاصهٔ آقایان و آقای همه، حضرت بقیة‌الله - ارواح‌العالمین له‌الفداء - را مسئلت می‌نمایم. امید است همه به فتوحات بزرگ نائل شده و با همکاری امت عزیز و مخلص و شیعیان پاکباز حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام، مراسم و شعائر عاشورای حسینی و ماه محرم امسال باشکوه‌تر و پربرتر از سال‌های گذشته برگزار گردد.

### نکاتی در باب تبلیغ عاشورا

حقیقیر مناسب دیدم بعضی نکات را که شاید از نظر خود آقایان و بسیاری از دیگران پنهان نباشد تذکراً به عرض برسانم:

### حفظ هویت اسلامی

۱. اوضاع و احوال چنان پیش آمده است که رویارویی تازه‌ای بین اسلام و کفر را نشان می‌دهد؛ انقلاب اسلامی ایران، احیای تفکر اسلامی، گرایش مسلمانان به استقلال اسلامی و بازگشت به مجد و عظمت دیرین و خلاصه بیداری و هشجاری فراگیر به‌خصوص در طبقهٔ جوان و تحصیل‌کرده و موارد دیگر موجب شده که دشمنان

اسلام، که تقریباً پس از جنگ جهانی اول بر کشورهای پهناور اسلامی مستقیم یا غیرمستقیم مسلط شده و آنها را با تشکیل حکومت‌های دست‌نشانده زیر نفوذ خود قرار داده بودند، از قطع نفوذ و سلطه خود بیمناک شوند و از این‌رو در مقام معارضه و کوبیدن مسلمانان و صدای اسلام‌خواهی برآمده و با تبلیغات گسترده و وسایل گوناگون ظاهری و سرّی، سیاسی و اقتصادی و حتی توسل به نیروی نظامی، با تمام توان عمل می‌کنند. باید مسلمانان را به استقامت، صبر، پایداری و امیدواری به نصرت خدا و غلبه بر اعدا، تشویق و ترغیب نمود.

از امور مهمی که باید هر مسلمان آن را وظیفه بزرگ و اساسی خود بدانند، حفظ هویت اسلامی است که همواره و به‌خصوص در این قرن اخیر، تغییر یا خدشه‌دار شدن و کمرنگ شدن آن را دشمنان، سیاست اصلی خود برای تسلط بر مسلمانان و از بین بردن استقلال اسلامی می‌دانند؛ ضدیت با هویت اسلامی را در همه رشته‌ها و شعب مختلف تمدن اسلامی فعال کرده و کم‌وبیش در کشورهای اسلامی به تضعیف آن به‌طور رسمی با تغییر آن نائل شده‌اند.

غرب‌گرایی و پیروی از عادات و رفتار غربی‌ها و تقلید از آنها حتی در لباس و امور به‌ظاهر کوچک تا برسد به امور مهم مانند ترویج اختلاط زن و مرد، عنوان‌ها و شعارهایی مثل رفع تبعیض از زنان یا به بهانه آزادی بیان و آزادی مطلق، بعضی احکام شرع را زیر سؤال بردن

و ترویج موسیقی، نوازندگی، ملاحی، تشویق فراوان به اصطلاح خودشان از هنرمندان بی‌اعتنا به شرع و تنازل از شعارهای اسلامی، همه حرکت به سوی تغییر هویت اسلامی یا تضعیف آن می‌باشد.

باید به مسلمان‌ها هشدار داده شود که به خطرات این گرایش‌های غرب‌مآبانه که متأسفانه گسترده می‌شود، توجه داشته باشند و هویت اسلامی‌شان را از جان خود هم عزیزتر بدانند و در همه جا و در همه مواضع به آن ملتزم و متعهد باشند و به آن افتخار کنند؛ به اسلام، به قرآن، به تشیع، به ولایت ائمه‌السلام<sup>علیهم‌السلام</sup> افتخار کنند و تمدن و اخلاق اسلامی را برتر از هر تمدن، اخلاق و مدنیت بدانند.

ما به عزت تشیع، عزت عزاداری سیدالشهداء<sup>علیه‌السلام</sup>، به اصحاب آن حضرت، به حضرت عباس، به حبیب بن مظاهر، به مسلم بن عوسجه، و به حجر بن عدی و مفاخر بزرگ اسلام و تشیع، به همه افتخار می‌کنیم.

﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۱</sup>

## شناخت اقلیم‌های تبلیغی

۲. بدیهی است درسخترانی‌ها و منابر و مطالب، حدیث شریف و پرمعنای:

﴿حَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ وَأَمْسِكُوا عَمَّا يَنْكُرُونَ﴾<sup>۲</sup>

۱. منافقون، ۸. «عزت از آن خدا و رسول او و مؤمنین است».

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۴۱؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۷۷. «به میزان شناخت مردم با آنان گفتگو کنید؛ به آنچه که دور از شناخت مردم است با ایشان به گفتگو نپردازید».

دستورالعمل است و مقتضای بلاغت در کلام و تکلم به مقتضای حال نیز همین است و برنامه انبیاء<sup>علیهم السلام</sup> در تبلیغ نیز همین بوده و مناسب این است که در هر منطقه و ناحیه‌ای بررسی فرموده و نقاط ضعف دینی و مذهبی را، اگر در آنجا وجود دارد، شناسایی نمایید و به نحو شایسته در سخنرانی‌ها رفع آن نقاط ضعف را در نظر داشته باشید.

### ارتباط با جوانان

۳. با جوانان و نوجوانان عزیز به‌ویژه دانش‌آموزان و دانشجویان ارتباط برقرار نمایید و به گرمی از آنها استقبال و پذیرایی کنید و با حوصله به پرسش‌ها و مطالب آنان گوش فرا داده و پاسخ دهید.

### تقارن عاشورا و نوروز

۴. امسال، آغاز سال جدید قمری با نوروز مقارن شده است، در این مورد هم باید هویت اسلامی، تشیع و عزای حسینی، با همان رنگ و مظاهر و ظواهر مشروع همه‌ساله، بلکه بیشتر و باشکوه‌تر برگزار شود و حال مصیبت، عزاداری و سوگواری به کارهای معمول نوروزی مغشوش نشود و مبارکی و میمنت سال جدید قمری و شمسی از برکت مراسم عزاداری بیمه گردد و ان شاء الله تعالی با خیر و عاقبت و موفقیت مقرون باشد.

البته در مراسم عزاداری هم باید جداً از ملاحی و مناهی، که از موانع قبولی این شعائر بزرگ مذهبی است خودداری شود.

امید آنکه همگان در تعظیم شعائر دین و سعی در اعلاّی کلمه اسلام  
و عزّت مسلمین مؤیّد و منصور باشیم.

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.  
وَالسَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى  
أَنْصَارِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى الَّذِينَ يُعَظِّمُونَ وِلَاءَ الْحُسَيْنِ  
وَيَتَّبِعُونَ صِرَاطَ الْحُسَيْنِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به مناسبت حلول ماه محرّم الحرام، ۱۴۲۳ هـ. ق.



## رسالت ذاکران اهل بیت علیهم السلام

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ  
وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾<sup>۱</sup>؛  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي  
حَلَّتْ بِفَنَائِكَ السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الطَّالِبِ بِسَدَمِ  
الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ<sup>۲</sup>.

### دانشگاه عاشورا

این روزها و شبها و ساعاتی که می‌گذرد و ما را به سوی ماه محرم  
۱۴۲۸ هجری قمری نزدیک می‌کند، یادآور روزها و شب‌هایی است که  
سیدالشهدا علیهم السلام راه لقاءالله و انجام یکی از بزرگ‌ترین مأموریت‌های

---

۱. فصلت، ۳۳. «چه کسی خوش‌گفتارتر از آن‌کس است که به سوی خدا دعوت می‌کند و  
عمل صالح انجام می‌دهد و می‌گوید: من از مسلمانانم؟».

۲. سلام بر تو ای اباعبدالله الحسین و سلام بر ارواح پاک‌ی که در صحن و آستانه تو فرود  
آمده‌اند، سلام بر مهدی، طلب‌کننده خون شهید کربلا.



الهی را طی می فرمود و به استقبال ماه محرم، روز عاشورا و آن رستاخیز بزرگ و فداکاری بی نظیر برای نجات بشریت و حفظ دین می رفت. در آن مواقف و مقامات که کمترین مصیبت های آن برای این بود که افراد نیرومند را در برابر دشمن به تسلیم و قبول ذلت و اداری سازد، امام علیه السلام اوج عظمت مقام انسانیت را به جهانیان نشان داد. همه به استقبال محرم می رویم و در دانشگاه جهانی حسین علیه السلام، که در تمام عالم، مدرسه ها، دانشکده ها و کلاس های آن تشکیل می شود، از پیر و برنا، زن و مرد، عالم و جاهل، استاد و دانشجو و شهرنشین و صحرانشین در آن با کمال خضوع و خلوص شرکت جسته و درس ها و پیام های انسان ساز عاشورا را می شنویم. به راستی چه دانشگاهی مانند این دانشگاه، به این وسعت در طول قرون و مرور اعصار، دانشجو داشته است؟ دانشجویانی مانند شیخ مفیدها و شیخ طوسی ها و ده ها هزار نخبه برجسته و ممتاز و هزاران شهید که به حضور خود در این مکتب افتخار می نمایند و همه از برکات این دانشگاه بهره مند و از خوان نعمت گسترده امام حسین علیه السلام برخوردارند.

اگرچه در طول سال و همه ماه ها، مکتب انسان ساز سیدالشهداء علیه السلام تعطیل نیست اما این رمز عجیب و سرّ بسیار شگفت انگیز و حضور ده ها میلیون نفر از مردم در ماه محرم در این دانشگاه جلوه دیگری دارد. همه از این مدرسه بزرگ درس می گیرند و نسخه های علاج بیماری های نفسانی و معنوی را دریافت می نمایند.

غیر از حسین علیه السلام و استقامت در آن ایستگاه پیر از محنت و بلیات چه کسی می‌توانست چنین حماسه‌ای را به وجود آورد و این مکتب عظیم را تأسیس نماید؟ حسینیه‌ها، مساجد، مدارس، دانشگاه‌ها، بازارها و حتی خانه‌ها و خیابان‌ها به صورت اجتماعات بزرگ و به صورت فردی تشکیل می‌شوند.

شیعیان این دوره را می‌گذرانند، کتاب‌ها و مقالاتی را که در شرح «واقعۀ عاشورا» منتشر شده می‌خوانند و در کلاس‌های روضه و وعظ این دانشگاه حاضر می‌شوند.

### جایگاه ذاکر اهل بیت علیهم السلام

یکی از قشرهای عزیزی که در این دانشگاه عظیم حسینی فعالانه و مخلصانه انجام وظیفه می‌نمایند، قشر عزیز و مقدّس مدّاح است؛ قشری که در مواقع بزرگ، مدّاحی آنها و اشعارشان در تاریخ، اثرگذار بوده و هست و در دفاع از حق، نقش آنها ماندگار بوده و بسا یک شعرشان جامعه‌ای را عوض کرده و انقلابی را به وجود آورده و دیکتاتورها را محکوم نموده است. اشعار و قصیده‌ معروف فرزدق، سید حمیری، دعبل و دیگران از شعرای عرب و عجم در مدّاحی یا رثای اهل بیت علیهم السلام و نصرت حقّ، فوق‌العاده بوده است.

انشا و انشاد این اشعار، جامعه را به هیجان و حرکت درمی‌آورد و ارواح مرده را زنده می‌سازد؛ اشعاری مانند اشعار محتشم که همیشه عظمت حادثۀ بزرگ عاشورا را برای جهانیان بازگو می‌نماید.

این همایش مدّاحی که از سوی مدّاحان عزیز و نخبه استان قم، مرکز حوزه علمیه جهانی و عشّ آل محمد علیهم السلام و روضه منوره مضجع کریمه اهل البیت علیهم السلام منعقد می‌شود، نویدبخش آن است که به خواست خداوند متعال با همّت بزرگان و پیشکسوتان این قشر، مدّاحان گرامی در ارائه خدمات مهم به اسلام و مذهب و امر به معروف و نهی از منکر، احیای اخلاق حسنه و روح اخوت ایمانی، تعاون اجتماعی و سایر فضایل به توفیقات بیشتر نایل شوند و نقش آنها کامل‌تر و در حدّ ممکن بی‌عیب و نقص انجام گردد؛ تا هم در موضع مدیحه‌خوانی و هم در مرثیه‌گویی، مرثیه‌خوانی و ذکر فضایل و مصائب اهل‌بیت علیهم السلام به کسب بیشترین فیض از آنها نائل شوند.

برای تأمین این جهات باید مدّاحان عزیز، خود بسیج شوند و با علما، نخبگان حوزه و محققان در فنون مربوط به عزاداری اهل‌بیت علیهم السلام مشورت نمایند و نقاط ضعفی را که ممکن است وجود داشته باشد شناسایی کنند.

### وظایف مدّاحان اهل‌بیت علیهم السلام

حقیر، با کسب اجازه از عزیزان خودم، مدّاحان اهل‌بیت علیهم السلام، در این مجال اندک به مواردی که باید بدان توجه شود اشاره می‌نمایم:

۱. هدف مدّاحان باید ترویج دین، نشر معارف، ذکر مصائب اهل‌بیت علیهم السلام و کسب درجات معنوی و اجر و ثواب الهی باشد و در مقام معامله این کار عظیم و ثواب‌های بزرگ آن با امور مادی نباشند و

بدانند که خدمات مخلصانه‌ای را که انجام می‌دهند اگر با تمام دنیا هم معامله نمایند، مغبون می‌شوند.

۲. مطالبی را که می‌گویید و هر سخنی را که در هر رابطه، حتی تعریف از اشخاص بر زبان می‌آورید حقّ باشد و سعی کنید زبانان به باطل نرود و آیه کریمه: «مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ»<sup>۱</sup> را مدنظر قرار دهید.

۳. سعی شود اشعار مدایح و مراثی که خوانده می‌شود از جهت مضمون، معنویت و پیام، بلند و عالی و برگرفته از هدایت‌های قرآنی و روایی باشد و اشعار، ضعیف و متضمّن مضامین سست، خرافی و بی‌مصدر نباشد.

۴. از اشعار اغراق‌آمیز و غلوگونه و شعارهای غالیانه و اشعار به اصطلاح عرفانی و صوفیانه که برخی عقاید باطله را القا می‌نمایند باید جداً پرهیز نمود.

۵. باید مدّاحی شعبه‌ای از تبلیغات دینی و مدّاحان محترم واسطه رساندن معارف دین و پیام‌های ائمه معصومین علیهم‌السلام باشند. از این‌رو چاکران با اخلاص آستان مقدّس حسینی اولاً در تصحیح عقاید و ثانیاً تهذیب اخلاق خود کوشش فراوان نمایند که با سیما، سیره و عمل نیز بر تأثیر مضامینی که به شعر یا به نثر القا می‌کنند بیفزایند و مصداق: *الْمَوْعِظَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ قَلْبٍ وَقَعَتْ فِي قَلْبٍ*<sup>۲</sup> گردد.

۱. ق، ۱۸. «سخنی (از خیر و شر) به زبان نیاورده جز آنکه همان دم رقیب و عتید نزد آن آماده‌اند».

۲. چون اندرز از قلب بیرون آید در دل می‌نشیند.

۶. بدیهی است آنچه بیشتر، نهاد مدّاحی را مطرح کرده و سبب ظهور آن بوده و هست، مدح اهل بیت علیهم السلام و به خصوص ذکر مصیبات آن بزرگواران و به ویژه مصائب حضرت سیدالشهداء علیه السلام است که حتی در مختصرترین صورت آن، موجب بهشت می شود اما مدّاحان گرامی باید برای بیدار کردن مردم و رشد عقلانی و فکری آنها از اشعار بامعنا و معرفت بخش و پندآموز در ستایش، حمد و تذکر نعمت های الهی استفاده نمایند.

### مجلس عزای اهل بیت علیهم السلام، دارالرحمه

در پایان، این نکته را باید متذکر شوم که مجالس عزاداری حضرت خامس آل عبا، سیدالشهداء علیه السلام، از برترین و بافضیلت ترین مجالسی است که فرشتگان الهی در آن افتخار حضور دارند و برای کسب تقرب مقام، در آن شرکت می نمایند. مجلس عزاداری و مدّاحی، دارالشفاء، دارالرحمه و دارالبرکه می باشد.

حضور در این مجالس و عرض ادب به ساحت مقدّس سالار شهیدان را غنیمت شمرده و بر آن شاکر و سپاسگزار باشید.

ای کاش این حقیر برای جفت کردن کفش عزاداران در آن مجلس توفیق پیدا می کردم و با مدّاحان و عزاداران در سوگواری و عرض ادب به محضر مقدّس ثارالله شریک می شدم.

يَا لَيْتَنَا كُنَّا مَعَكُمْ فَفَنفُوزٌ فَوْزًا عَظِيمًا<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به همایش سراسری مدّاحان استان قم، ۲۵ ذی الحجّة الحرام ۱۴۲۷ هـ. ق.



فصل چهارم:

عاشورا در عاشورا







## عاشورای مشهدالرضا

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

زمانی که در اثر انقلاب عظیم اسلامی ایران و تلاش‌ها و مجاهدات مصلحین بزرگ در سراسر عالم اسلام همهٔ مسلمانان، به‌خصوص نسل جوان و تحصیل‌کرده در زیر لوای وحدت، امت اسلامی واحده را پی‌ریزی کرده و دل‌های همگان سرشار از عشق و محبت به توحید کلمه شده است؛ تفاهیم و تجاوب و هم‌زبانی و همدردی همه را به هم نزدیک و الفت داده و وحدتی بی‌سابقه در جهان اسلام حاکم شده و معنای «أَدْلَلْنَا عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعْرَضَ عَلَى الْكَافِرِينَ»<sup>۱</sup> و «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»<sup>۲</sup> مستکبرین را سخت به وحشت انداخته است؛ در چنین موقعیتی عوامل وابسته به اعدای اسلام و استکبار جهانی از اینکه با منطق و استدلال، اهداف تخریبی خود را به کسی بقبولانند

۱. مانند، ۵۴. «نسبت به مؤمنان متواضع و فروتن و نسبت به کافران سرسخت و نیرومندند».

۲. فتح، ۲۹. «بر کافران بسیار سخت‌گیر و با یکدیگر مهربانند».

عاجزند و جز ویرانگری و اعمال وحشیانه و ضدّ اصول انسانی راهی برای نیل به اهداف شوم تفرقه‌انگیز و ایجاد کینه و دشمنی بین مسلمین پیدا نکرده‌اند.

امسال این عواملِ جنایتکار در روز عاشورا، عاشورای دیگری به وجود آورده و یکی از وحشیانه‌ترین جنایت‌ها را - که جهان اسلام را در سوگ و مصیبت فرو برد - مرتکب شدند و در بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا - علیه آلف التحیة والثناء - حرم مطهر آن سلالهٔ پاک پیامبر اکرم اسلام ﷺ را مورد جسارت و اهانت قرار داده، و با تعیبهٔ بمب در جوار آن مرقد شریف جمعی از مسلمانان را که در حال عبادت و توجه به خداوند متعال بودند شهید و مجروح کرده و بخشی از آن آستان فرشته‌دربان را منهدم و تعدادی از مجلّدات قرآن مجید را به آتش کشیده و سوزانده‌اند.

عمق عظمت این فاجعهٔ دلخراش که لکهٔ ننگ تاریخی بزرگی بر دامن این از خدا بی‌خبران است با هیچ بیان و قلمی قابل توصیف نیست؛ کسانی که مرتکب مثل این جنایت می‌شوند بویی از انسانیت نبرده، و آنان سپاه یزید و سپاه شمر و ابن‌زیاد و سپاه حجاج هستند. این جانب به همه مسلمانان جهان و علمای تشیع و تسنن هشدار می‌دهم که این ایادی مزدور با تمام قوا عزّت و کیان امت اسلام را هدف قرار داده‌اند، و اگر همه زعمای اسلام فکری برای جلوگیری از فساد این مفسدین ننمایند باید گفت: «وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ».

باید همه دولت‌های اسلامی و همه علما و اقطاب فکری این اعمال را شدیداً استنکار نمایند و برائت خود را از عمال این جنایت بزرگ ابراز دارند. این جانب این مصیبت عظمی و فاجعه کبری را به پیشگاه حضرت بقیة الله - ارواح العالمین له الفداء - و خانواده‌های محترم عزیزانی که در این حادثه جانکاه به فوز عظیم شهادت نائل شده‌اند تسلیت عرض نموده، شفای مجروحین این جنایت را از خدای بزرگ خواهانم و اعلام می‌دارم که چه این عوامل بخواهند و چه نخواهند عظمت اسلام و قدرت مسلمین تجدید خواهد شد و حریم حرمت آستان ملائک پاسبان حضرت رضاء علیها السلام و سایر اعیان مقدسه با این اهانت‌ها شکسته نخواهد شد و یقین است که آثار سوء این جنایت بزرگ به زودی دستگیر عوامل آن شده و خداوند متعال آنها را رسوا نموده و به کیفر کردارشان در دنیا و آخرت خواهد رساند.

﴿وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بَعِيزٌ﴾<sup>۱</sup>

﴿فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِيفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ

عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ﴾<sup>۲</sup>

- 
۱. ابراهیم، ۲۰. «و این نزد خداوند، دشوار نیست».
  ۲. ابراهیم، ۴۷. «پس هرگز مپندار که خداوند، وعده رسولانش را خلاف کند که البته خداوند بر هر کاری مقتدر است و از ستمگران انتقام خواهد کشید».
  ۳. پیام به مناسبت فاجعه خونین بمب‌گذاری در جوار حرم مطهر حضرت ثامن الحجج علیه السلام، مشهد، عاشورای ۱۴۱۵ هـ. ق.



## عاشورای خونین ۱۴۲۵

تُلمَّةٌ فِي الْإِسْلَامِ عَظِيمَةٌ

### یزیدیان زمان

حوادث فجیعۀ بسیار دلخراش و تکان‌دهندۀ کشتار و ترور عام زائران و عزاداران پاک‌نیت حضرت سیدالشهداء علیه السلام در شهرهای مقدّس کربلا و کاظمین در روز عاشورا، عمق ددمنشی و درنده‌خویی عاملان آن و کسانی را که در پشت این ترورها قرار دارند آشکار نمود و به دنیا اعلام خطر کرد که اگر بنی‌امیه، یزید، ابن‌زیاد و شمر با ظلم‌هایشان عالم وجود را تکان داده و مصیبت‌زده کردند، یزیدیان، بنی‌امیه، بنی‌مروان و بنی‌زیاد زمان در روز عاشورا با ترور مسلمانان بی‌گناه در کربلا، در جوار روضۀ مقدّسه حضرت سیدالشهداء علیه السلام و در کاظمیه، در جوار حرم مطهّر دو امام معصوم، دوباره عاشورا آفریدند و جنایات عاشورا را تجدید کردند. این ترورها و عاملان آن، بشریّت را در برابر سبّاع و درندگان شرمسار نمودند؛ نمی‌توان رذالت، شرارت و

قساوت این اعمال ددمنشانه را با زبان و قلم توصیف و محکوم نمود؛ هر جمله و کلمه‌ای که برای محکوم کردن آن به کار برده شود عمق این جنایت و اوج بی‌رحمی و بی‌شرمی عاملانش را بازگو نمی‌کند.

بدیهی است مسئولیت سنگین امنیت عراق و این وقایع تلخ و ناگوار بر عهده اشغالگران است، آنها باید پاسخ بدهند و از طرف جوامع بین‌المللی مورد بازخواست و مؤاخذه، قرار بگیرند.

اینجانب، این مصیبت عظیم را به پیشگاه اقدس حضرت ولیّ عصر مولانا المهدی - ارواح العالمین له الفداء - و به عموم شیعیان مظلوم جهان و محبّان اهل بیت علیهم‌السلام و به وجدان‌های بیدار بشری و اهالی محترم کربلا، کاظمین، حوزه‌های علمیه به‌خصوص حوزه‌های علمیّه اعتبار مقدّسه و به خانواده‌هایی که کسان، فرزندان و بستگانشان به شرف شهادت نایل شده‌اند تسلّیت عرض می‌نمایم و از خداوند قهار منتقم، قلع و قمع ریشه‌های فساد و مجازات دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام را مسئلت می‌نمایم.<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به مناسبت عاشورای خونین ۱۴۲۵ هـ. ق که در تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۸۲ هـ. ش. صادر شده است.



## كتاب نامه

١. قرآن كريم.
٢. نهج البلاغه، الشريف الرضى، الامام على بن ابى طالب عليه السلام، تحقيق و شرح محمد عبده، بيروت، دار المعرفة، ١٤١٢ق.
٣. ابصار العين فى انصار الحسين، سماوى، محمد طاهر، مركز الدراسات الاسلاميه، ١٤١٩ق.
٤. الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، مفيد، محمد بن محمد (م. ٤١٣ق.)، بيروت، دار المفيد، ١٤١٤ق.
٥. اعلام الورى باعلام الهدى، طبرسى، فضل بن حسن (م. ٥٤٨ق.)، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، ١٤١٧ق.
٦. اعيان الشيعة، امين عاملى، سيد محسن (م. ١٣٧١ق.)، بيروت، دار التعارف، ١٤٠٣ق.
٧. بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار عليهم السلام، مجلسى، محمد باقر (م. ١١١١ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٠٣ق.
٨. البدايه و النهايه، ابن كثير، اسماعيل بن عمر (م. ٧٧٤ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٧ق.

۹. البرهان في تفسير القرآن، بحراني، سيدهاشم حسيني (م. ۱۱۰۷ق.)، تهران، بنياد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۱۰. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد ﷺ، صفار، محمد بن حسن (م. ۲۹۰ق.)، تهران، مؤسسة الاعلمي، ۱۴۰۴ق.
۱۱. تاريخ الامم والملوك، طبري، محمد بن جرير (م. ۳۱۰ق.)، بيروت، مؤسسة الاعلمي، ۱۴۰۳ق.
۱۲. تاريخ مدينة دمشق، ابن عساكر، علي بن حسن (م. ۵۷۱ق.)، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۵ق.
۱۳. تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، ابن شعبه حراني، حسن بن علي (م. قرن ۴)، قم، نشر اسلامي، ۱۴۰۴ق.
۱۴. تفسير الصافي، فيض كاشاني، محسن بن مرتضى (م. ۱۰۹۱ق.)، تهران، مكتبة الصدر، ۱۴۱۶ق.
۱۵. تفسير القمي، قمي، علي بن ابراهيم (م. ۳۰۷ق.)، قم، دار الكتاب، ۱۳۶۷ش.
۱۶. الدفعة الساكنة، بهبهاني، محمدباقر بن عبدالكريم (م. ۱۲۸۵ق.)، ۱۷. ديوان الازري الكبير، ازري، كاظم (م. ۱۲۱۱ق.)، كويت، دار التوجيه الاسلامي، ۱۴۰۰ق.
۱۸. ذخائر العقبى في مناقب ذوى القربى، طبري، احمد بن عبدالله (م. ۶۹۴ق.)، القاهرة، مكتبة القدسي، ۱۳۵۶ق.
۱۹. عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآيات و الاقوال (الامام



- الحسين عليه السلام، بحراني اصفهاني، عبدالله بن نورالله (م. قرن ۱۲)، قم، مؤسسه امام مهدي عليه السلام، ۱۴۲۵ق.
۲۰. **عيون الحكم و المواعظ**، لثي واسطي، علي بن محمد (م. قرن ۶)، قم، انتشارات دار الحديث، ۱۳۷۶ش.
۲۱. **الغيبه**، نعماني، محمد بن ابراهيم (م ۳۶۰ ق.)، قم، انتشارات انوارالهدى، ۱۴۲۲ق.
۲۲. **الكامل فى التاريخ**، ابن اثير جزرى، علي بن محمد (م. ۶۳۰ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۳۸۶ق.
۲۳. **اللهور فى قتلى الطفوف**، ابن طاووس، سيدعلى بن موسى (م. ۶۶۴ق.)، قم، انتشارات انوارالهدى، ۱۴۱۷ق.
۲۴. **مشير الاحزان**، ابن نما حلى، محمد بن جعفر (م. ۶۴۵ق.)، النجف الاشرف، المطبعة الحيدريه، ۱۳۶۹ق.
۲۵. **مدينه معجز الائمة الاثنى عشر و دلائل الحجج على البشر**، بحراني، سيدهاشم حسيني (م. ۱۱۰۷ق.)، قم، موسسه المعارف الاسلاميه، ۱۴۱۳ق.
۲۶. **المعجم الكبير**، طبراني، سليمان بن احمد (م. ۳۶۰ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۴ق.
۲۷. **مقتل الحسين عليه السلام**، ابو مخنف، لوط بن يحيى ازدي (م. ۱۵۷ق.)، قم، مطبعة العلميه.

۲۸. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. ۵۸۸ق.)،  
النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، ۱۳۷۶ق.
۲۹. ناسخ التواريخ در احوالات حضرت سيد الشهداء عليه السلام، سپهر،  
ميرزا محمد تقی، تهران، كتابفروشی اسلاميه، ۱۳۴۳ش.
۳۰. نظم در السمطين في فضائل المصطفى و المرتضى و البتول و  
السبتين عليهم السلام، زرندي، محمد بن يوسف (م. ۷۵۰ق.)، اصفهان،  
مكتبة الامام امير المؤمنين عليه السلام العامة، ۱۳۷۷ق.

## آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الوارف

### در یک نگاه

ردیف	نام کتاب	زبان	ترجمه
<b>قرآن و تفسیر</b>			
۱	تفسیر آیه فطرت	فارسی	—
۲	القرآن مصون عن التحریف	عربی	—
۳	تفسیر آیه التطهیر	عربی	—
۴	تفسیر آیه الانذار	عربی	—
۵	پیام های قرآنی	فارسی	—
<b>حدیث</b>			
۶	منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر <small>علیه السلام</small> در ۳ جلد	عربی	اردو/انگلیسی فارسی
۷	غیبة المنتظر	عربی	—
۸	قبس من مناقب امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> (مئة و عشر حدیث من کتب عامه)	عربی	فارسی
۹	پرتوی از فضائل امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> در حدیث	—	فارسی
۱۰	احادیث الائمة الاثنی عشر، اسنادها و الفاظها	عربی	—
۱۱	احادیث الفضائل	عربی	—
<b>فقه</b>			
۱۲	توضیح المسائل	فارسی	—

—	فارسی	منتخب الاحكام	۱۳
انگلیسی	فارسی	احكام نوجوانان	۱۴
—	فارسی	جامع الاحكام در ۲ جلد	۱۵
—	فارسی	استفتائات قضایی	۱۶
—	فارسی	استفتائات پزشکی	۱۷
عربی	فارسی	مناسک حج	۱۸
عربی	فارسی	مناسک عمره مفرده	۱۹
—	فارسی	هزار سؤال پیرامون حج	۲۰
آذری	فارسی	پاسخ کوتاه به ۳۰۰ پرسش در ۲ جلد	۲۱
—	فارسی	احكام خمس	۲۲
—	فارسی	اعتبار قصد قربت در وقف	۲۳
—	فارسی	رساله در احكام ثانویه	۲۴
—	عربی	فقه الحج در ۴ جلد	۲۵
—	عربی	هدایة العباد در ۲ جلد	۲۶
—	عربی	هدایة السائل	۲۷
—	عربی	حواشی علی العروة الوثقی	۲۸
—	عربی	القول الفاخر فی صلاة المسافر	۲۹
—	عربی	فقه الخمس	۳۰
—	عربی	أوقات الصلوة	۳۱
—	عربی	التعزیر (احكامه و ملحقاته)	۳۲
فارسی	عربی	ضرورة وجود الحكومة	۳۳
—	عربی	رسالة فی معاملات المستحدثة	۳۴
—	عربی	التداعی فی مال من دون بینة و لا ید	۳۵
—	عربی	رسالة فی المال المعین المشتبه ملکیتة	۳۶
—	عربی	حکم نکول المدعی علیه عن الیمین	۳۷

—	عربی	ارث الزوجة	۳۸
—	عربی	مع الشيخ جادالحق في ارث العصبه	۳۹
—	عربی	حول ديات ظريف ابن ناصح	۴۰
—	عربی	بحث حول الاستسقام بالازلام (مشروعية الاستخارة)	۴۱
—	عربی	الرسائل الخمس	۴۲
—	عربی	الشعائر الحسينية	۴۳
آذرى	—	آنچه هر مسلمان بايد بداند	۴۴
—	عربی	الرسائل الفقيهيه من فقه الاماميه	۴۵
—	عربی	الاتقان في احكام الخلل و النقصان	۴۶
<b>اصول فقه</b>			
—	عربی	بيان الاصول در ۳ جلد	۴۷
—	عربی	رسالة في الشهرة	۴۸
—	عربی	رسالة في حكم الاقل و الاكثر في الشبهة الحكيمة	۴۹
—	عربی	رسالة في الشروط	۵۰
<b>عقايد و كلام</b>			
—	فارسی	عرض دين	۵۱
—	فارسی	بهسوی آفریدگار	۵۲
—	فارسی	الهیات در نهج البلاغه	۵۳
—	فارسی	معارف دين در ۳ جلد	۵۴
—	فارسی	پیرامون روز تاریخی غدیر	۵۵
—	فارسی	ندای اسلام از اروپا	۵۶
—	فارسی	صبح صادق	۵۷
—	فارسی	نگرشی بر فلسفه و عرفان	۵۸
—	فارسی	نیایش در عرفات	۵۹

—	فارسی	سفرنامه حج	۶۰
—	فارسی	شهید آگاه	۶۱
—	فارسی	امامت و مهدویت	۶۲
—	فارسی	نوید امن و امان/۱	۶۳
عربی	فارسی	فروغ ولایت در دعای ندبه/۲	۶۴
—	فارسی	ولایت تکوینی و ولایت تشریحی/۳	۶۵
—	فارسی	معرفت حجّت خدا/۴	۶۶
—	فارسی	عقیده نجات بخش/۵	۶۷
—	فارسی	نظام امامت و رهبری/۶	۶۸
عربی	فارسی	اصالت مهدویت/۷	۶۹
—	فارسی	پیرامون معرفت امام/۸	۷۰
آذری	فارسی	پاسخ به ده پرسش/۹	۷۱
—	فارسی	انتظار، عامل مقاومت و حرکت/۱۰	۷۲
—	فارسی	وابستگی جهان به امام زمان/۱۱	۷۳
—	فارسی	تجلی توحید در نظام امامت/۱۲	۷۴
—	فارسی	باورداشت مهدویت/۱۳	۷۵
انگلیسی	فارسی	به سوی دولت کریمه/۱۴	۷۶
عربی	فارسی	گفتمان مهدویت/۱۵	۷۷
—	فارسی	پیام های مهدوی/۱۶	۷۸
انگلیسی	فارسی	توضیحات پیرامون کتاب عقیده مهدویت در تشیح امامیه	۷۹
—	فارسی	گفتمان عاشورایی	۸۰
—	فارسی	مقالات کلامی	۸۱
—	فارسی	صراط مستقیم	۸۲
—	عربی	الی هدی کتاب الله	۸۳

—	عربی	ایران تسمع فتجیب	۸۴
—	عربی	رسالة حول عصمة الانبياء و الائمة	۸۵
—	عربی	تعليقات على رسالة الجبر و القدر	۸۶
—	عربی	لمحات في الكتاب و الحديث و المذهب	۸۷
—	عربی	صوت الحق و دعوة الصادق	۸۸
—	عربی	رد اكدوبة خطبة الامام علي عليه السلام، على الزهراء عليه السلام	۸۹
اردو/ فرانسه	عربی	مع الخطيب في خطوطه العريضة	۹۰
—	عربی	رسالة في البداء	۹۱
—	عربی	جلاء البصر لمن يتولى الائمة الاثني عشر عليه السلام	۹۲
—	عربی	حديث افتراق المسلمين على ثلاث و سبعين فرقة	۹۳
—	عربی	من لهذا العالم؟	۹۴
—	عربی	بين العلمين، الشيخ الصدوق و الشيخ المفيد	۹۵
—	فارسی	داوری میان شیخ صدوق و شیخ مفید	۹۶
—	عربی	مقدمات مفصلة على «مقتضب الاثر» و «مکیال المکارم» و «منتقى الجمان»	۹۷
—	عربی	امان الامة من الضلال و الاختلاف	۹۸
—	عربی	البكاء على الامام الحسين عليه السلام	۹۹
—	عربی	النقود اللطيفة على الكتاب المسمى بالانخبار الدخيلة	۱۰۰
—	فارسی	پیام غدیر	۱۰۱
<b>تربیتی</b>			
—	فارسی	بهار بندگی	۱۰۲
—	فارسی	عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان	۱۰۳
—	فارسی	راه اصلاح (امر به معروف و نهی از منکر)	۱۰۴
—	فارسی	با جوانان	۱۰۵
<b>تاریخ</b>			
—	فارسی	سیرحوزه های علمی شیعه	۱۰۶
—	فارسی	رمضان در تاریخ (حوادث تاریخی)	۱۰۷

سیره			
—	فارسی	پرتوی از عظمت امام حسین <small>علیه السلام</small>	۱۰۸
—	فارسی	آینه جمال	۱۰۹
—	فارسی	از نگاه آفتاب	۱۱۰
—	فارسی	اشک و عبرت	۱۱۱
تراجم			
—	فارسی	زندگانی آیت الله آخوند ملا محمدجواد صافی گلپایگانی	۱۱۲
—	فارسی	زندگانی جابرین حیان	۱۱۳
—	فارسی	زندگانی بوداسف	۱۱۴
—	فارسی	فخر دوران	۱۱۵
شعر			
—	فارسی	دیوان اشعار	۱۱۶
—	فارسی	بزم حضور	۱۱۷
—	فارسی	آفتاب مشرقین	۱۱۸
—	فارسی	صحیفه المؤمن	۱۱۹
—	فارسی	سبط المصطفی	۱۲۰
—	فارسی	در آرزوی وصال	۱۲۱
مقاله‌ها و خطابه‌ها			
—	فارسی	حدیث بیداری (مجموعه پیام‌ها)	۱۲۲
—	فارسی	شب‌پرگان و آفتاب	۱۲۳
—	فارسی	شب عاشورا	۱۲۴
—	فارسی	صبح عاشورا	۱۲۵
—	فارسی	با عاشوراییان	۱۲۶
—	فارسی	رسالت عاشورایی	۱۲۷